



معاونت اکتشاف
مدیریت خدمات اکتشاف
گروه ژئوفیزیک

مطالعه گسل قطر - کازرون با استفاده از
روش مغناطیس سنجی و ژئوالکتریک
در منطقه کازرون استان فارس

فیروز جعفری

سید ابوالحسن رضوی

زمستان ۱۳۸۶

فهرست مطالب

فصل اول

کلیات

۴	۱-۱- مقدمه
۵	۱-۲- موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه
۵	۱-۳- زمین شناسی منطقه و نتایج مطالعات بررسی گسل
۶	۱-۳-۱- زمین شناسی منطقه
۷	۱-۳-۲- قطعه‌های گسلی کازرون و سیستم آبی در منطقه
۱۱	۱-۳-۳- چشمه‌های مهاجرت آب و مناطق دارای پتانسیل آب زیرزمینی
۱۳	۱-۴-۳-۱- عمق گسل و پهنه‌ی زون گسلی

فصل دوم

مطالعات ژئوفیزیک

۱۵	۲-۱- روش ژئوالکتریک
۱۶	۲-۱-۱- آرایه قطبی - قطبی
۱۸	۲-۱-۲- آرایه سوندazer الکتریکی قائم یا گمانه الکتریکی
۱۹	۲-۲- روش مغناطیس سنجی
۱۹	۲-۲-۱- تئوری روش مغناطیس سنجی
۲۱	۲-۲-۲- روش‌های تحلیل و تفسیر داده‌های میدان مغناطیسی
۲۲	۲-۳-۱- نحوه انجام مطالعات ژئوفیزیک در منطقه
۲۸	۲-۳-۲- تجهیزات مورد استفاده

فصل سوم

بررسی نتایج

۳۰	۳-۱- بررسی نتایج در محدوده شماره ۱
۳۰	۳-۱-۱- بررسی نتایج مغناطیس سنجی در محدوده شماره ۱
۳۵	۳-۱-۲- ژئوالکتریک در محدوده شماره ۱
۴۰	۳-۲- بررسی نتایج در محدوده شماره ۲
۴۰	۳-۲-۱- مغناطیس سنجی در محدوده شماره ۲

۴۴	- ژئوالکتریک در محدوده شماره ۲	۲-۲-۳
۴۷	- نتیجه گیری	۴
۴۸	- پیشنهادات	۵
۴۸	- تشکر و قدر دانی	۶
۴۹	- پیوست (داده ها)	۷
۴۹	- داده های روش ژئوالکتریک	۱-۷
۴۹	- داده های روش ژئوالکتریک محدوده شماره یک	۱-۱-۷
۵۶	- داده های روش ژئوالکتریک محدوده شماره دو	۱-۲-۷
۵۹	- داده های روش مغناطیس سنجی	۲-۷
۵۹	- داده های روش مغناطیس سنجی محدوده شماره یک	۱-۲-۷
۶۰	- داده های روش مغناطیس سنجی محدوده شماره دو	۲-۲-۷

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

به درخواست معاونت محترم اکتشاف سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور، عملیات

ژئوفیزیک به روش مغناطیس سنجی و ژئوالکتریک در منطقه کازرون - استان فارس به منظور مطالعه

ژئوفیزیکی گسل قطر - کازرون از نظر تعیین محل و تعیین آبدار بودن گسل انجام گردید. بدین منظور طی

احکام شماره ۳۹۴۶ و ۴۰۷۷ اکیپ سه نفره‌ای به سرپرستی آقای مهندس سید ابوالحسن رضوی به عنوان

سرپرست گروه و فرامرز الهوردی و عباس باقری اسفند آبادی به عنوان تکنسین در ۲۰ ماموریت ۲۰ روزه در

بهمن و اسفند ۸۵ جهت انجام مطالعات ژئوالکتریک به محل اعزام شدند. همچنین طی احکام شماره ۳۹۴۲

و ۱۴۱۰ اکیپ دو نفره‌ای به سرپرستی آقای مهندس فیروز جعفری و حسین ایرانشاهی به عنوان تکنسین در ۲

ماموریت ۲۰ و ۱۲ روزه در بهمن و اسفند ۸۵ جهت انجام مطالعه مغناطیسی به محل اجرای حکم اعزام شدند.

آقای مهندس پدرام آفتابی بعنوان زمین شناس منطقه با اکیپ ژئوفیزیک همکاری داشتند و با نظر ایشان

بخشی از زون گسله کازرون - قطر در نزدیکی روستای کمارج به شکل تقریباً ذوزنقه انتخاب گردید. ابتدا

برداشت‌های ژئوالکتریک با آرایش سوندای سوندای اکتریک با طول خط جريان تا ۳۰۰۰ متر که در نوع خود استثنایی

می‌باشد به منظور بررسی وضعیت عمق آبهای زیرزمینی حدود ۶۰۰ متر و بطور همزمان برداشت‌های مغناطیس به

منظور تشخیص کتتاکتها و شکستگیها انجام شد. این بخش کمی پایین تر از سه راهی کازرون - بوشهر - قائمیه

(روستای کمارج) واقع شده است. علت انتخاب این بخش به دو دلیل اصلی بود. یکی اینکه اگر گسل فوق

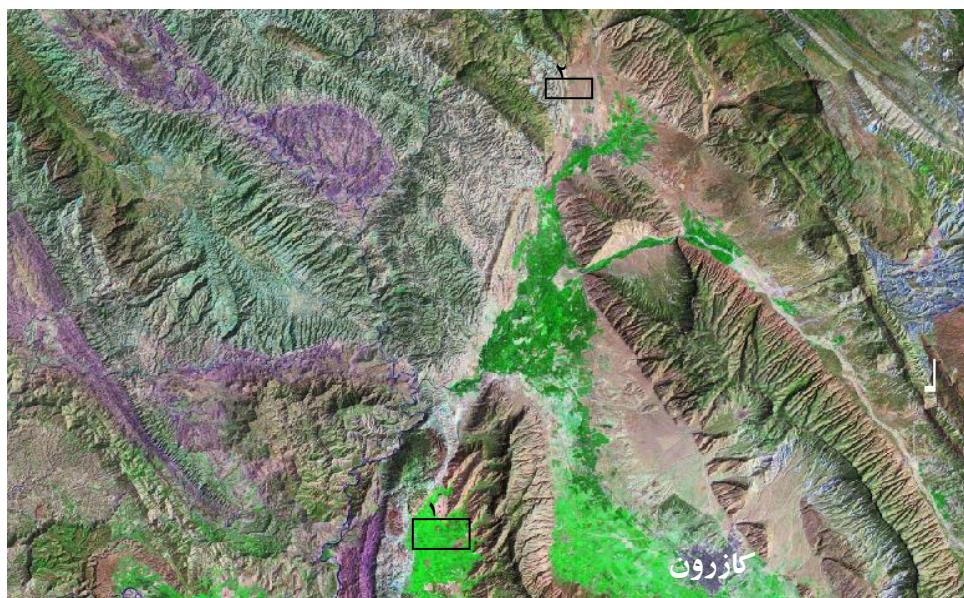
حامل مقادیر زیادی آب باشد، در بخش‌هایی که عرض زون گسل کاهش می‌یابد می‌توان راحت‌تر آنرا مطالعه و در

آینده اقدام به مهار آن نمود. دیگر آنکه ضخامت رسوبات آللوویوم کمتر خواهد بود و این مسئله مطالعات لازم برای اکتشاف آهکهای کارستی آسماری را مهیا می‌سازد.

محدوده دوم در شمال غربی قائمیه (روستای قندیل برای ادامه مطالعات در نظر گرفته شد. هدف از انجام مطالعات ژئوفیزیک در این محدوده تعیین موقعیت گسل می‌باشد. در این منطقه ابتدا از آرایش قطبی - قطبی بر روی یک پروفیل شرقی - غربی استفاده شد و سپس با توجه به اطلاعات این پروفیل دو سوندazer بر روی ایستگاههای ۳۵۰ و ۴۵۰ غربی برداشت شد. همچنین همزمان محدوده‌ای به ابعاد ۲ کیلومتر در ۲۰۰ متر (شبکه 20×50 متر) که پروفیل قطبی - قطبی را نیز در بر می‌گیرد، مورد پیمایش مغناطیس‌سنجدی قرار گرفت.

۱- موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در محدوده شهرستان کازرون در استان فارس قرار می‌گیرد. برای انجام مطالعات ۲ محل انتخاب شده است که بر روی تصویر شماره ۱ محدوده با شماره‌های ۱ و ۲ نشان داده شده است.



تصویر شماره ۱- محل انجام برداشت‌های ژئوفیزیک بر روی تصویر ماهواره‌ای

۱-۳- زمین شناسی منطقه و نتایج مطالعات بررسی گسل^۱

۱-۱-۳- زمین شناسی منطقه

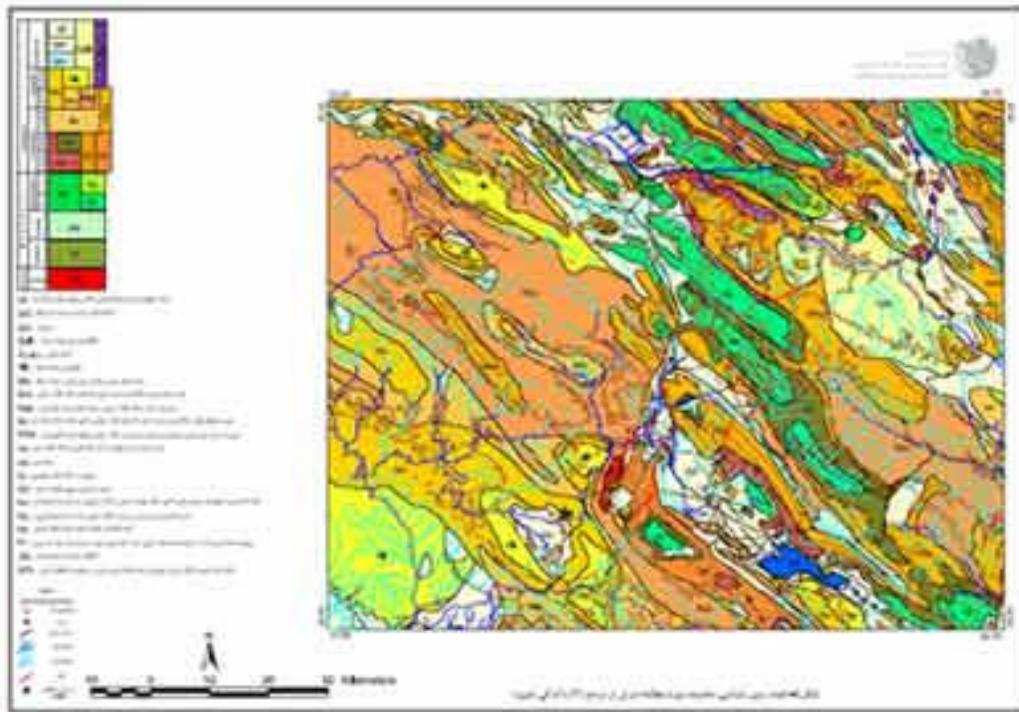
خطواره کازرون (Kazerun Line) دره‌ای بطول تقریبی ۲۰۰ کیلومتر است که بطور مایل طاقدیس‌های زاگرس را با روند شمالی-جنوبی قطع می‌کند. این گستره، از لرزه‌خیزی بالا و زمینلرزه‌هایی با بزرگی متوسط و دوره بازگشتهای کوتاه برخوردار است. رشته کوه‌های زاگرس سکانسی از رسوبات فلات قاره به سن پالئوزوئیک تا تریاسی پسین است که بر روی سازند نمکی اینفراکامبرین هرمز نهشته شده است (شکل ۱). محدوده مورد بررسی در ناحیه زمین‌شناختی - زمین‌ساختی زاگرس چین خورده (Simple fold belt)، واقع شده، که پهنه باختری آن به فروافتادگی دزفول می‌رسد (شکل ۱). این منطقه از طاقدیس، ناویدیس و تنگ‌های متعددی تشکیل شده که سازندهای آغازگاری، گچساران، آسماری و گروه بنگستان تشکیل دهنده اصلی این عوارض ساختاری‌اند (بیکر Baker 1993, 1974) به نقل از فالکون (Falcon 1969, 1974) بیکر (Baker 1993) در ناحیه زمین‌شناختی لردگان و توجه به کارکردهای گسل‌های اصلی در این بیان می‌دارد که خطواره مذکور محور طاقدیس‌ها را قطع نکرده و جابجائی راستالغز راستگرد محورها، تنها به دلیل تصور ظاهری قابل انتظار از این سامانه گسلی است که نسبت به روند غالب چین خورده‌گی زاگرس، حالت مایل دارد.

زارع (۱۳۷۱) از بررسی شکستگی‌ها در ناحیه لردگان و توجه به کارکردهای گسل‌های اصلی در این ناحیه، نشان داد که سامانه کلی حاکم بر این منطقه به صورت فشاری - مماسی راستگرد (Right-Hand Transpression) می‌باشد. یک همگرایی مورب در زون کوهزایی با وکتورهای مورب باعث حرکات راستالغز راستگرد در امتداد گسل کازرون شده است (Authmayou et al., 2003). گسل کازرون جداگانه منطقه حاوی گنبدهای نمکی فراوان از منطقه دارای گنبدهای نمکی نادر است

^۱. پدرام آفتایی

(Talbot&Alavi,1996)، ولی در امتداد این گسله گند نمکی وجود دارد که بخش اساسی آن از سازند

گچساران است و نمک در قسمت مرکزی گند واقع شده است (نگاه کنید به شکل ۹ در همین گزارش).

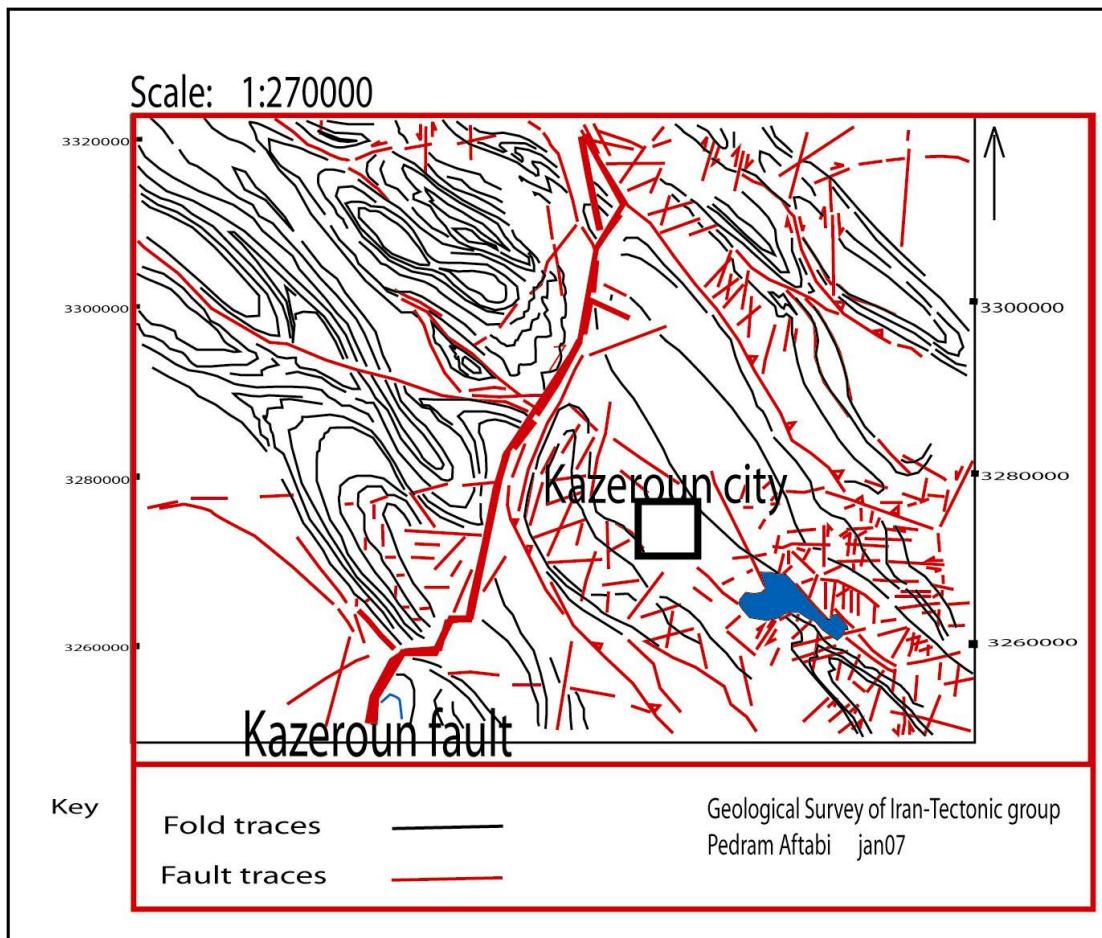


شکل ۱. منطقه مورد بررسی از نظر سازند ها به نقل از مرکز داده های علوم زمین سازمان زمین شناسی.

۱-۳-۲- قطعه های گسلی کازرون و سیستم آبی در منطقه

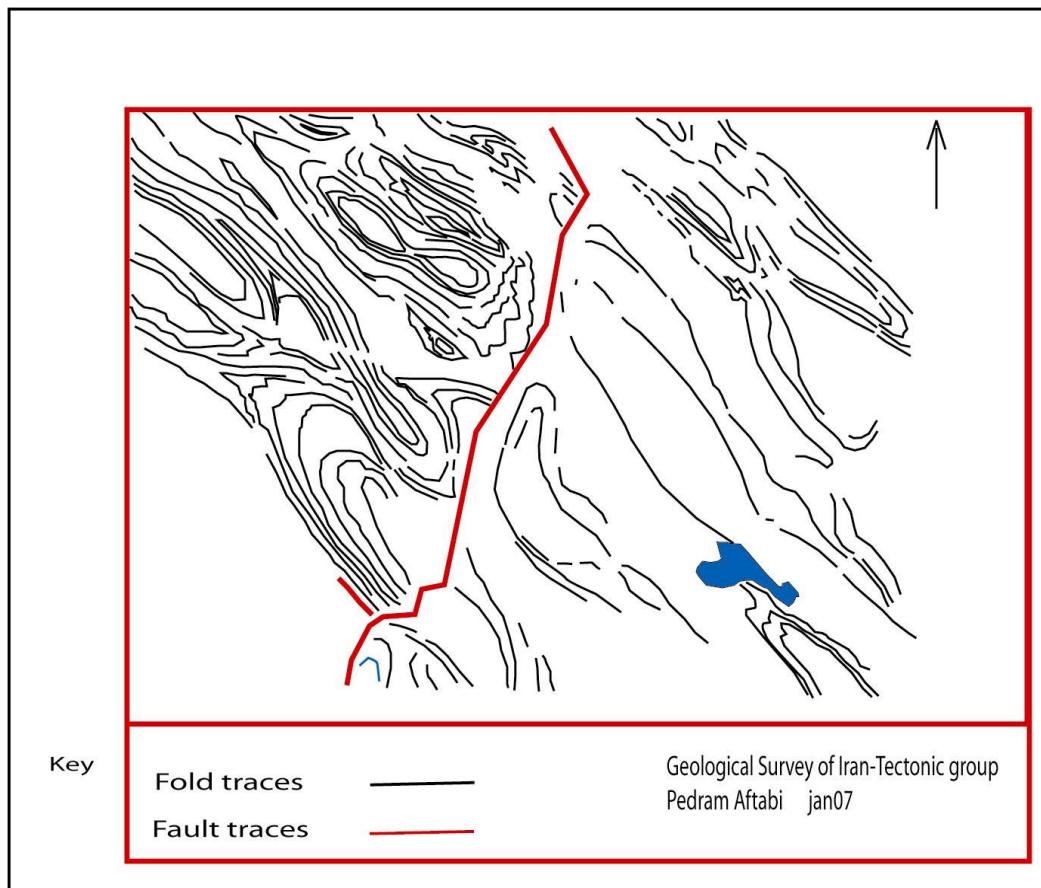
توپوگرافی اصلی منطقه در کازرون به نظر نمی رسد که بوسیله گسل کازرون تحت تاثیر زیادی واقع شده باشد ولی گسل کازرون در بالا آمدگی سازند گچساران در امتداد آن تاثیر داشته و اثرات چرخشی در تاقدیس های اطراف داشته است (شکل ۲) به طوری که سیستم های شکستگی تاقدیس های اطراف را تحت تاثیر قرار داده است (شکل ۲).

گسل در واقع به صورت یک زون با روند کلی شمال-جنوب است ولی روندهای گسل‌های مرتبط زنجیری متغیر است.



شکل ۲. گسل های مرتبط و لینک شده با گسل اصلی کازرون و موقعیت منطقه پر آب کازرون

سیستم به هم زنجیر شده گسلی و درزه ای و کارستی منطقه (شکل ۲) طوری است که باعث هدایت آب های زیرزمینی از نقطه ای به نقطه دیگر می گردد. چین خوردگی ها و حفرات داخل این چین خوردگی ها که با انحلال کارستی سازند های گچی و آهکی همراه است محل های خوبی برای هدایت آب ها است. این سیستم های چین خوردگی با گسله کازرون ارتباط دارند و تعدادی از آنها پست تکتونیک اند ولی عمدتاً به صورت پست تکتونیک تحت تاثیر گسل واقع شده اند (شکل ۳).

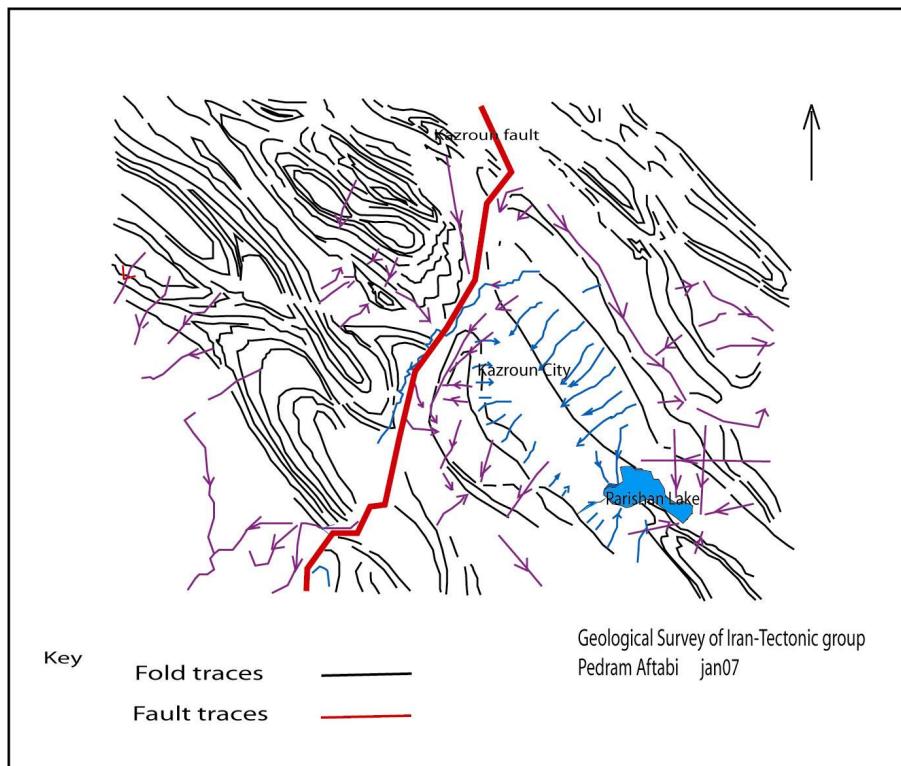


شکل ۳. ارتباط پست تکتونیکی چین‌ها و گسل کازرون

هدایت درینیج و سیستم آبی با چین‌خوردگی‌ها، حفرات کارستی و توپوگرافی محلی و همچنین گسل‌های منطقه ارتباط تنگاتنگ دارد (شکل ۴).

همانطور که به در نقشه شکل ۴ نشان داده شده است بیشتر آب‌های سطحی و زیر سطحی دارای جهت‌های خاصی هستند که بوسیله ساختار تحت تاثیر قرار گرفته و عمدتاً از منطقه پر آب کازرون خارج می‌شوند.

گرفتن این منبع آبی خارج شده و یافتن راهی برای استفاده بیشتر از منابع آب نشان می‌دهد که گسل کازرون و چین‌ها و گسل‌های متصل شده جزئی اطراف برای یافتن انتقال آب مهم است. البته مکش آب در منطقه باید به صورت علمی انجام گیرد چون این حرکات آب‌های زیرزمینی باعث تغذیه دریاچه پریشان می‌گردد و زیاده روی در سیستم آبی تغذیه کننده دریاچه باعث خشکی آن خواهد شد. کما این که دریاچه حدود چندین متر پسروی داشته است.

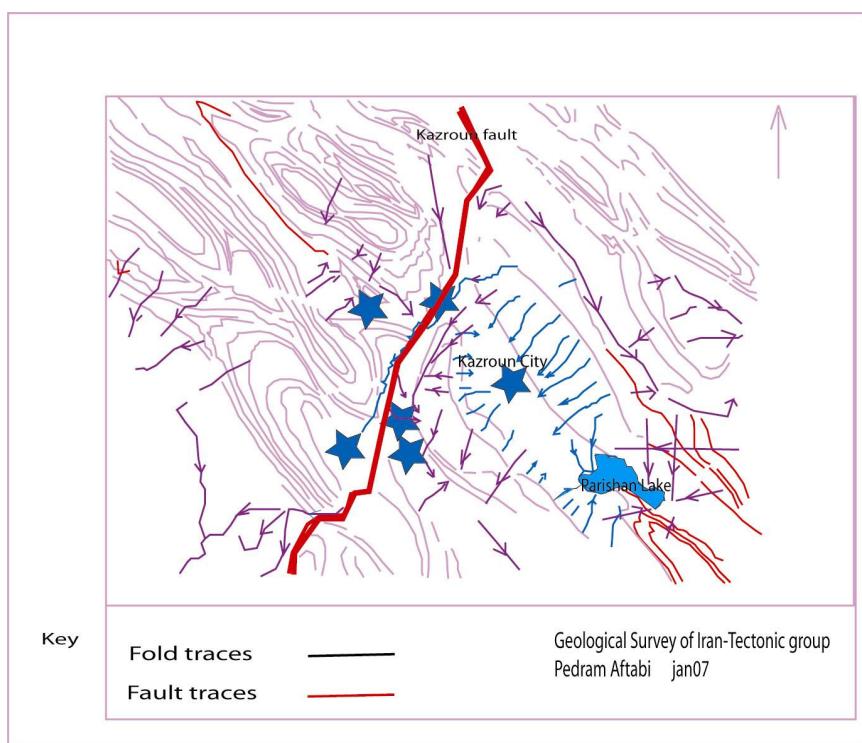


شکل ۴. درینیج منطقه- هدایت آب‌ها در سطح و عمق از خلال درزه‌ها، گسل‌ها، حفره‌ها و ساختارهای چین

اگر شکل‌های ۲، ۳ و ۴ را با هم مقایسه نماییم متوجه خواهیم شد که سیستم آبی شدیداً تحت تاثیر گسل‌ها و چین خوردگی دارای حرکت است و این حرکات و موانع توپوگرافی موجود از آهک و گچ منابع آبی خوبی را در منطقه تشکیل داده است که گاه‌آباً به صورت چشمه‌هایی خارج شده‌اند.

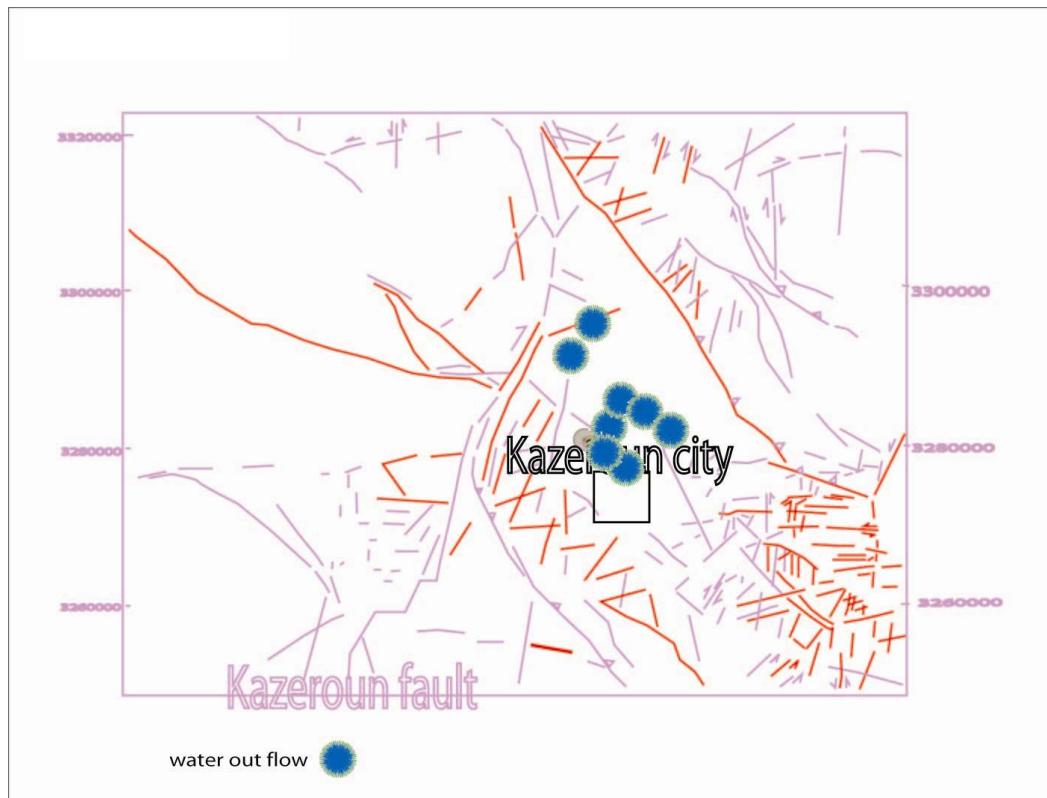
۱-۳-۳- چشمه‌های مهاجرت آب و مناطق دارای پتانسیل آب زیرزمینی

در شکل ۵ محل مناطق دارای پتانسیل آبی بر اساس مطالعات تکتونیک درزه و گسل و توپوگرافی منطقه که می‌تواند در عمق ۱۷۵ متری به آب برسد نشان داده شده است. آب این مناطق ممکن است همراه گچ باشد ولی از جهت کشاورزی دارای اهمیت زیادی است و می‌تواند مورد استفاده مردم کشاورز منطقه قرار گیرد. محل‌های دارای پتانسیل آب زیرزمینی با ستاره نشان داده شده است.

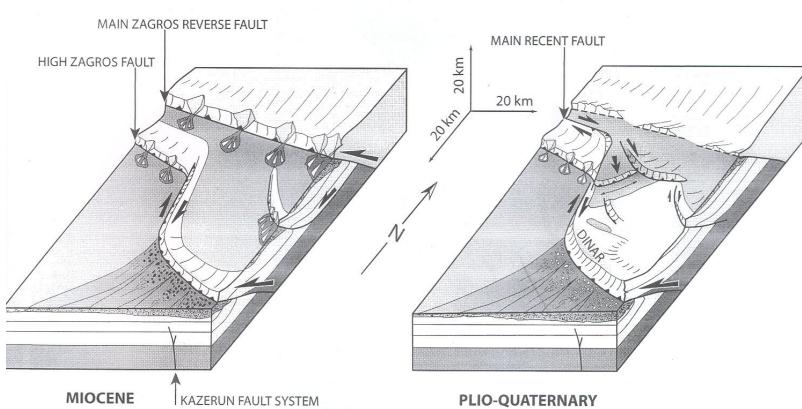


شکل ۵. مناطق دارای پتانسیل آب زیرزمینی با عمق کم ۱۷۵ متر

چشمه‌های کارستی زیادی در منطقه وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده واقع شود و همچنین آب رودخانه شاپور یکی از منابع مهم است که می‌تواند مورد بهره برداری بیشتری واقع شود.



شکل ۶. چشمه‌ها و فلوی آب به سمت بالا در منطقه که حاصل از سیستم کارستی و چین خوردگی‌های منطقه است و وجود حفرات حاوی آب در منطقه را نشان می‌دهد.



شکل ۷. گسل کازرون و عمق زیاد آن و رسوبات سطحی با ضخامت زیاد و همچنین شاخه‌های فرعی گسل

۱-۳-۴- عمق گسل و پهنهای زون گسلی

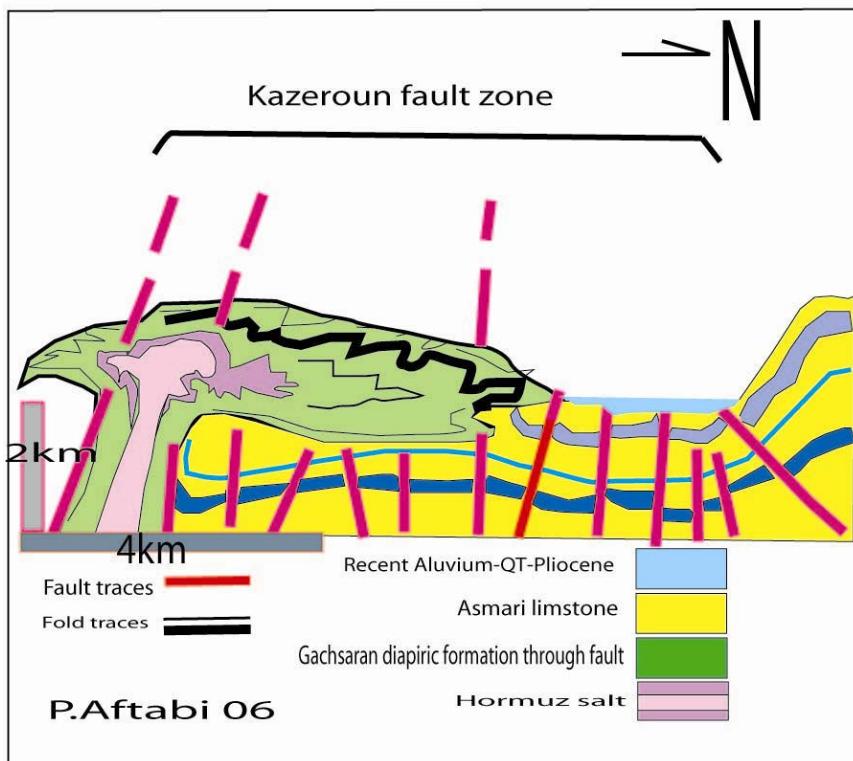
در رابطه با یافتن آب‌های عمیق و استفاده از آنها عمق گسل و پهنهای زون گسلی مطرح می‌گردد. بر مبنای شکل ۷ عمق گسل کازرون بسیار زیاد و پهنهای آن در بعضی مناطق به بیش از ۱ کیلومتر می‌رسد. بنابراین برای تشخیص حفرات حاوی آب در اینجا کارهای ژئوفیزیک عمقی با عمق بیش از ۱ کیلومتر پیشنهاد می‌گردد. اگرچه نفت خیز بودن منطقه و وجود منابع گوگردی بسیاری از آب‌های مرتبط با گسل کازرون را آلوده به مواد سمی مانند گوگرد و ارسنیک کرده است و این یک نکته قابل توجه در طرح پیشنهادی می‌باشد.

طبعاً وجود چشمی فهیلان (آب گندو) که آب آن سمی است و مورد استفاده جهت کارهای استحمام مردم جهت رفع بیماری‌های پوستی است هم مرتبط با گسل کازرون است و طبعاً تمامی آب‌های منطقه و به خصوص آب‌هایی که به داخل خلیج فارس رفته و هرز می‌روند صرفاً مرتبط با گسل کازرون نیستند و مناطق اطراف گسل کازرون هم نیاز به بررسی دارد.

در مورد هدایت آب‌ها از منطقه کازرون به بوشهر و مناطق اطراف نیاز به کارهای دقیقت و بررسی‌های بیشتر با استفاده از نقشه‌های توپوگرافی، عکس‌های هوایی و عملیات صحرایی بیشتر است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که اطلاعات پایه نامبرده در بالا سفارش داده شود.

به نظر می‌رسد که گند نمکی نزدیک کازرون به علت احاطه شدن توسط گچ گچساران آب را به نمک آلوده نساخته است و در عمق ۱۷۵ متری نزدیک منبع آبی رنگ (تلمبه آبی) محل خوبی برای تعداد چاه‌های بیشتر برای یافتن آب‌های هدایت شونده زیرزمینی باشد(شکل ۸).

به هر حال آب‌های آلوده به گچ برای بعضی استان‌های محروم به خصوص بوشهر که با کمبود آب مواجه است مفید می‌باشد. چون به نظر می‌رسد که نمک تأثیر کمی روی آب‌های زیرزمینی گذاشته است. پیشنهاد می‌شود که مطالعات بیشتری از نظر تکتونیک در منطقه و به خصوص در بوشهر برای یافتن آب انجام شود.



شکل ۸ با توجه به پهنه وسیع گسل کازرون و خروج دیاپیر از یکی از شاخه‌ها احتمال آلوده شدن آب وجود دارد ولی شواهد نشان می‌دهد که نمک هرمز در مرکز گچساران دیاپیری است و احتمال آلودگی به نمک بسیار کمتر است بنابراین مکان‌های با علامت ستاره در نقشه بالا برای یافتن آب‌های کشاورزی مناسب است ولی سفره کاملاً شیرین هم می‌توان یافت.

فصل دوم

مطالعات ژئوفیزیک

۱-۲- روش ژئوالکتریک

در روش مقاومت سنجی جریان‌های الکتریکی مصنوعی توسط دو الکترود به زمین تزریق می‌شود و اختلاف پتانسیل منتجه بین دو نقطه در سطح زمین اندازه‌گیری می‌شود. انحراف از شکل اختلاف پتانسیل‌های قابل انتظار در مورد زون‌های همگن اطلاعاتی در مورد شکل و خواص الکتریکی ناهمگونی‌های زیرسطحی ارائه می‌دهد.

مقاومت ویژه یک ماده به عنوان مقاومت ویژه بین سطوح مخالف یک مکعب واحد از جسم بر حسب اهم متر تعریف می‌شود. مقاومت ویژه الکتریکی یکی از خواص فیزیکی سنگها می‌باشد که دارای تغییرات زیادی است. کانی‌های خاصی مانند فلزات طبیعی و گرافیت از طریق عبور الکترون‌ها جریان الکتریکی را هدایت می‌کنند لیکن بیشتر کانی‌های تشکیل‌دهنده سنگ‌ها غیرقابل نفوذ بوده و جریان الکتریکی اغلب از طریق یون‌های آب موجود در خلل و فرج سنگ انتقال می‌یابد. بنابراین بیشتر سنگ‌ها الکتریسیته را بطريق الکتروولیتی هدایت می‌کنند تا از طریق الکترونیکی، و این بدان معناست که تخلخل عمده‌ترین کنترل کننده مقاومت سنگ بوده و علاوه بر آن میزان آب درون خلل و فرج و مقاومت الکتریکی آب نیز در این جهت نقش اصلی را بازی می‌کنند و در حد وسیعی مقاومت ویژه الکتریکی سنگ را تغییر می‌دهند و بر این اساس هم‌پوشی قابل ملاحظه‌ای بین مقاومت ویژه الکتریکی انواع مختلف سنگ‌ها وجود دارد و در نتیجه مشخص کردن نوع سنگ‌ها تنها بر اساس داده‌های مقاومت سنجی امکان‌پذیر نمی‌باشد و حتماً باید عوامل فوق را مدنظر قرار داد. در اندازه‌گیری مقاومت ویژه الکتریکی، جریان الکتریکی از نوع مستقیم توسط دو الکترود جریان (A, B) به درون

زمین فرستاده می‌شود و اختلاف پتانسیل حاصل بین دو الکترود پتانسیل (M, N) در زمین اندازه‌گیری می‌شود.

مقاومت ویژه الکتریکی از فرمول $P = K \cdot V / I$ محاسبه می‌گردد که در این فرمول V اختلاف پتانسیل

اندازه‌گیری شده و I شدت جریان تزریق شده به زمین و K ضریب ژئومتری آرایش مورد استفاده بوده و

اگرچه برای هر آرایش می‌توان فرمول آن را بیان کرد ولی فرمول کلی محاسبه این ضریب بصورت زیر می‌باشد.

$$K = 2\pi \cdot \frac{1}{AM} - \frac{1}{AN} - \frac{1}{BM} + \frac{1}{BN}$$

وقتی جنس زمین همگن (یکنواخت) باشد مقاومت ویژه الکتریکی محاسبه شده بر اساس این معادله

ثابت بوده و مستقل از فاصله الکترودها خواهد بود ولی اگر ناهمگنی زیرسطحی، موجود باشد؛ مقاومت ویژه

الکتریکی با موقعیت نسبی الکترودها تغییر می‌کند و هر مقدار محاسبه شده به عنوان مقاومت ویژه الکتریکی

ظاهری (a) نامیده خواهد شد و تابعی از شکل ناهمگنی مربوطه خواهد بود. در این پیمايش دو نوع آرایه به

کار گرفته شده است.

۱- آرایه قطبی - قطبی *pole-pole Array*

۲- آرایه سوندaz الکتریکی قائم *Vertical Electrical Sounding*

که به اختصار شرح داده می‌شود.

۱-۱-۱- آرایه قطبی - قطبی

در تئوری آرایش قطبی - قطبی فقط دو الکترود در نزدیکی هم قرار می‌گیرد یک الکترود جریان و

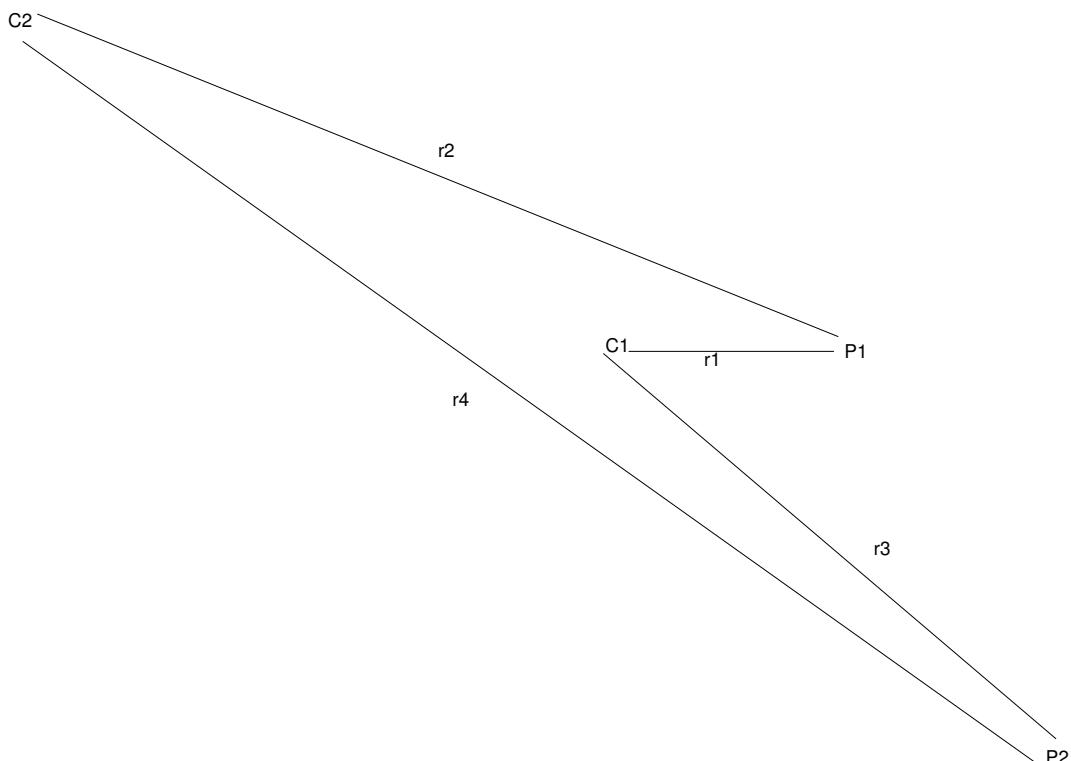
یک الکترود دیگر در بینهایت قرار می‌گیرند تا کمترین اثر را بر روی آرایش داشته باشد.

در حالت کلی توصیه می‌شود که فاصله این دو الکترود از الکترودهای $P1$ ، $C1$ ده و ترجیحاً ۲۰ برابر فاصله آنها

انتخاب شود (شکل ۱۰). در بعضی موارد که فاصله الکترودهای $P1$ ، $C1$ بسیار زیاد است، این حداقل‌ها برای

تمام اندازه‌گیری‌ها رعایت نمی‌شود. این قضیه می‌تواند منجر به پیچیدن بیهنجاری بر روی مدل حاصل از معکوس سازی در هنگام مدل‌سازی شود. این مشکل با استفاده از روش محاسبه معمول ضریب k در آرایش قطبی-قطبی بوجود می‌آید و اگر ضریب k با استفاده از روش کلی بر حسب فاصله الکترودها محاسبه شود این مشکل حل خواهد شد.

با کم شدن فاصله الکترودهای $P2$ ، $C2$ از خط برداشت عمق جستجو کاهش می‌یابد. با این حال آرایش قطبی - قطبی بیشترین نسبت عمق جستجو را نسبت به سایر آرایش‌ها دارد. به عبارتی اگر نسبت عمق جستجو در آرایش دوقطبی - دوقطبی $0/3$ برابر عمق اسمی جستجو باشد، در این روش عمق جستجو $0/9$ برابر عمق اسمی است.



شکل ۹ - نمایی از آرایه قطبی-قطبی

۲-۱-۲- آرایه سونداز الکتریکی قائم یا گمانه الکتریکی

عمدتاً این آرایه در مطالعه لایه های افقی مورد استفاده قرار می گیرد، در این روش پس از هر اندازه گیری الکترودهای جریان و پتانسیل در همان موقعیت نسبی ثابت باقیمانده و کل آنها بطور فزاینده حول یک نقطه مرکزی از هم دور می شوند در نتیجه همانطور که جریان به تدریج به اعماق بیشتر می رسد قرائت ها انجام می گیرد.

در آرایش شلومبر گر فاصله الکترودهای جریان همیشه مساوی یا بزرگتر از 5 برابر الکترودهای پتانسیل است ($AB > 5MN$) و الکترودهای پتانسیل در میان الکترودهای جریان قرار می گیرند (شکل ۱۰). پس از انجام اندازه گیری های صحرائی و محاسبه a از رابطه $K.V/I$ ابتدا نمودار تغییرات مقاومت ویژه در مقابل زیاد شدن فاصله الکترودهای جریان یعنی افزایش عمق نشان داده می شود. برای اینکار از کاغذهای مخصوص لگاریتمی استفاده می شود، بدین ترتیب که مقاومت ویژه ظاهری اندازه گیری شده روی محور قائم و فاصله $OA = AB/2$ را روی محور افقی در نظر گرفته و منحنی سونداز الکتریکی ترسیم می گردد که تغییرات این منحنی نشان دهنده تغییرات مقاومت ویژه در عمق های مختلف می باشد.



شکل ۱۰ - آرایش شلومبر گر

۲-۲- روش مغناطیس سنجی

۱-۲-۲- تئوری روش مغناطیس سنجی

مطالعه مغناطیس زمین، قدیمیترین شاخه ژئوفیزیک است. برای نخستین بار گیلبرت نشان داد که میدان مغناطیسی زمین راستایی عموماً شمالی - جنوبی در نزدیکی محور چرخشی زمین دارد. از آن زمان تاکنون پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه ساخت دستگاهها و تفسیر اندازه‌گیری‌های این روش بدست آمده است. در روش‌های مغناطیسی معمولاً میدان کلی یا مولفه قائم اندازه‌گیری می‌شود. با توجه به اینکه میدان مغناطیسی دارای دو قطب و نیز راستا می‌باشد، لذا تفسیر نقشه‌های مربوطه پیچیده‌تر از سایر روش‌ها می‌باشد.

از طرف دیگر، در مقایسه با اغلب روش‌های ژئوفیزیکی، اندازه‌گیری‌های صحرایی در این روش، ارزان و ساده است و عملاً نیازی به اعمال تصحیحات پیچیده و طولانی در قرائت‌ها نیست.

میدان مغناطیسی زمین تا آنجا که به اکتشاف ژئوفیزیکی مربوط است، از سه قسمت تشکیل شده است:

۱- میدان اصلی، که هر چند با زمان ثابت نیست، نسبتاً به آرامی تغییر می‌کند و منشاء آن داخلی است و حدود ۹۰ درصد میدان مغناطیسی زمین را تشکیل می‌دهد.

۲- میدان خارجی، جزء کوچکی از میدان اصلی است که منشاء آن خارج از زمین می‌باشد و نسبتاً سریع تغییر می‌کند، تغییری که بخشی از آن دوره‌ای و بخشی اتفاقی (تصادفی) است (مربوط به تغییرات روزانه و سالیانه خورشید و روزانه ماه می‌باشد).

۳- تغییرات میدان اصلی، معمولاً ولی نه همیشه خیلی کوچکتر از میدان اصلی است، نسبتاً با زمان و مکان ثابت است و در اثر بی‌هنجری‌های مغناطیسی محلی در نزدیکی سطح پوسته زمین بوجود می‌آید. این تغییرات هدف‌های ژئوفیزیک اکتشافی را تشکیل می‌دهد.

اگر جسمی در میدان زمین F قرار بگیرد در این صورت یک میدان به نام J (مغناطیدگی القایی^۱) به داخل

جسم القاء می‌شود. که خواهیم داشت:

$$J = KF$$

که K ضریب مغناطیس‌پذیری^۲ (خودپذیری مغناطیسی) می‌باشد. اجسام بر حسب ضریب K به سه دسته

تقسیم می‌شوند:

۱. $K < 0$ ، دیامغناطیس. معمولیترین مواد دیامغناطیس زمین، گرافیت، ژیپس، مرمر، کوارتز و نمک

می‌باشند.

۲. $0 < K < 0$ ، پارامغناطیس. عناصری مانند نیکل و کلسیم و ... این اثر با دما کاهش می‌یابد.

۳. $K > 0$ ، فرومغناطیس اکثراً اکسیدهای آهن.

خودپذیری مغناطیسی، متغیری مهم در مغناطیس است و همان نقشی را دارد است که چگالی در

تفسیرهای گرانی دارد. هر چند تغییرات بزرگی در مقادیر K ، حتی برای یک سنگ بخصوص وجود دارد و

لیپوشی وسیعی بین نوع‌های مختلف مشاهده می‌شود، سنگ‌های رسوبی پایین ترین و سنگ‌های آذرین

اصلی بالاترین میانگین خودپذیری را دارا می‌باشند. در هر مورد خودپذیری تنها به مقدار کانی‌های

فرمغناطیس موجود بستگی دارد که عمداً مانیتیت و بعضی اوقات ایلمنیت یا پیروتیت می‌باشند

(سنگ‌هایی نظیر گابرو، پیروکسنتیت، بازالت و آندزیت دارای خاصیت مغناطیسی بالا هستند).

اغلب ممکن است که کانیهایی با خودپذیری منفی توسط اندازه گیری‌های مغناطیسی تفصیلی تعیین

محل شوند، هر چند این مقادیر منفی کوچکند. همچنین باید خاطر نشان کرد که بسیاری از کانیهای آهن فقط

¹. Induced Magnetization

². Susceptibility

کمی مغناطیسی اند. سنگ‌ها و کانی‌ها از نظر مغناطیس به سه دسته؛ دیا مغناطیس (بدون مغناطیس)، پارامغناطیس

(دارای مغناطیس، وقتی در معرض میدان قرار می‌گیرد) و فرومغناطیس (مغناطیس دار) تقسیم می‌شوند.

پارامتر اندازه‌گیری خاصیت مغناطیس سنگ‌ها، خودپذیری مغناطیسی است که بر حسب واحدهای emu

درجول ذیل برای تعدادی از کانی‌ها ارائه گردیده است.

$\times 10^6 \text{ میانگین خودپذیری}$	نوع	$\times 10^6 \text{ میانگین خودپذیری}$	نوع
۶۰	کرومیت	۵۵۰	هماتیت
۲۲	لیمونیت	۵۰۰۰۰	مانیتیت
-۱	کوارتز	-۱	زغال سنگ

جدول شماره ۱- میانگین خودپذیری بعضی از کانیها

دستگاه‌های اندازه‌گیری در این روش به سه دسته واریومترهای مغناطیسی، مغناطیس سنج فلاکس گیت

(دروازه شار)، مغناطیس سنج شتاب هسته‌ای و بخار روپیدیم تقسیم‌بندی شده‌اند. پیشرفته‌ترین و جدیدترین نوع

مغناطیس سنج مدل Smartmag ساخت شرکت Scintrex کشور کانادا است که با استفاده از بخار سزیم کار

می‌کند. این دستگاه دارای حساسیت بسیار بالا و در حد $10^{-10} \text{ گاما می‌باشد}$ و برای کشف

بی‌هنجری‌های باستان‌شناسی کاربرد فراوانی دارد. واحد اندازه‌گیری شدت میدان مغناطیسی، گاما یا همان

نانوتسلا است. مغناطیس سنج‌های با حساسیت و ظرافت کمتر برای عملیات معدنی بسیار مناسب‌تر است

۲-۲-۲- روش‌های تحلیل و تفسیر داده‌های میدان مغناطیسی

به منظور آماده‌سازی داده‌ها ابتدا همه مختصات‌ها با استفاده از GPS دستی بر روی هر پروفیل برداشت

می‌شود. سپس نقشه‌ها همگی در این مختصات و توسط نرم افزار GEOSOFT تحلیل می‌شود.

^۱ واحدهای emu : واحدهای الکترومغناطیسی cgs می‌باشد.

جهت تفسیر بهتر داده‌های برداشت شده، از روش‌های مختلف تحلیلی و ترسیمی استفاده می‌شود. به عنوان مثال روش ادامه فراسو^۱ یا گسترش به سمت بالا بمنظور کاهش اثر نویزهای سطحی و نمایش بهتر بی‌هنjarی‌های عمیقتر مناسب است در حالیکه نقشه‌های مشتق جهت آشکارسازی هر چه بیشتر بی‌هنjarی‌های سطحی مناسب هستند. نقشه‌های مشتق اول و دوم، میزان نسبت تغییرات بی‌هنjarی و شدت تغییرات بی‌هنjarی را به عمق نمایش می‌دهد. بدین ترتیب بی‌هنjarی‌های سطحی که تغییرات شدیدتری دارند، نمایان‌تر خواهند شد؛ ضمن آنکه احتمال عمیق بودن یا ادامه چنین بی‌هنjarی‌هایی در عمق منتفی نیست و به همین منظور نقشه‌های ادامه فراسو تهیه می‌گردد. به صورت ساده می‌توان چنین فرض کرد که گیرنده^۲ دستگاه مغناطیس‌سنچ در ارتفاعی بالاتر از سطح فعلی اندازه‌گیری نموده است. نقشه کاهش به قطب نیز به منظور تعیین دقیق‌تر محل بی‌هنjarی با توجه به موقعیت جغرافیایی و با در دست داشتن مقادیر *declination, inclination* در منطقه و انجام تصحیح بدست می‌آید.

۳-۲- نحوه انجام مطالعات ژئوفیزیک در منطقه

محدوده شماره ۱ کمی پایین‌تر از سه راهی کازرون - بوشهر - قائمیه (روستای کمارج) واقع شده است. علت انتخاب این بخش به دو دلیل اصلی بود. یکی اینکه اگر گسل فوق حامل مقادیر زیادی آب باشد، در بخش‌هایی که عرض زون گسل کاهش می‌باید می‌توان راحت‌تر آنرا مطالعه و در آینده اقدام به مهار آن نمود. دیگر آنکه ضخامت رسوبات آلوده بود و این مسئله مطالعات لازم برای اکتشاف آهکهای کارستی آسماری را مهیا می‌سازد.

¹. Upward Continuation

². Sensor

به منظور برداشت‌های مغناطیس‌سنگی در محدوده اول که در غرب شهرستان کازرون واقع شده، برداشت‌ها با فاصله ایستگاهی ۱۰۰ متر و فاصله پروفیل ۲۰۰ متر، مجموعاً ۲۲۰ ایستگاه در این محدوده برداشت شده است. نقشه شدت کل میدان مغناطیس و نقشه بی‌هنگاری باقیمانده که با استفاده از نرم افزار ژئوسافت (*Oasis montaj*) ترسیم شده به همراه نقشه گسترش به سمت بالا که تصحیح کاهش به قطب بر روی آن انجام شده است.

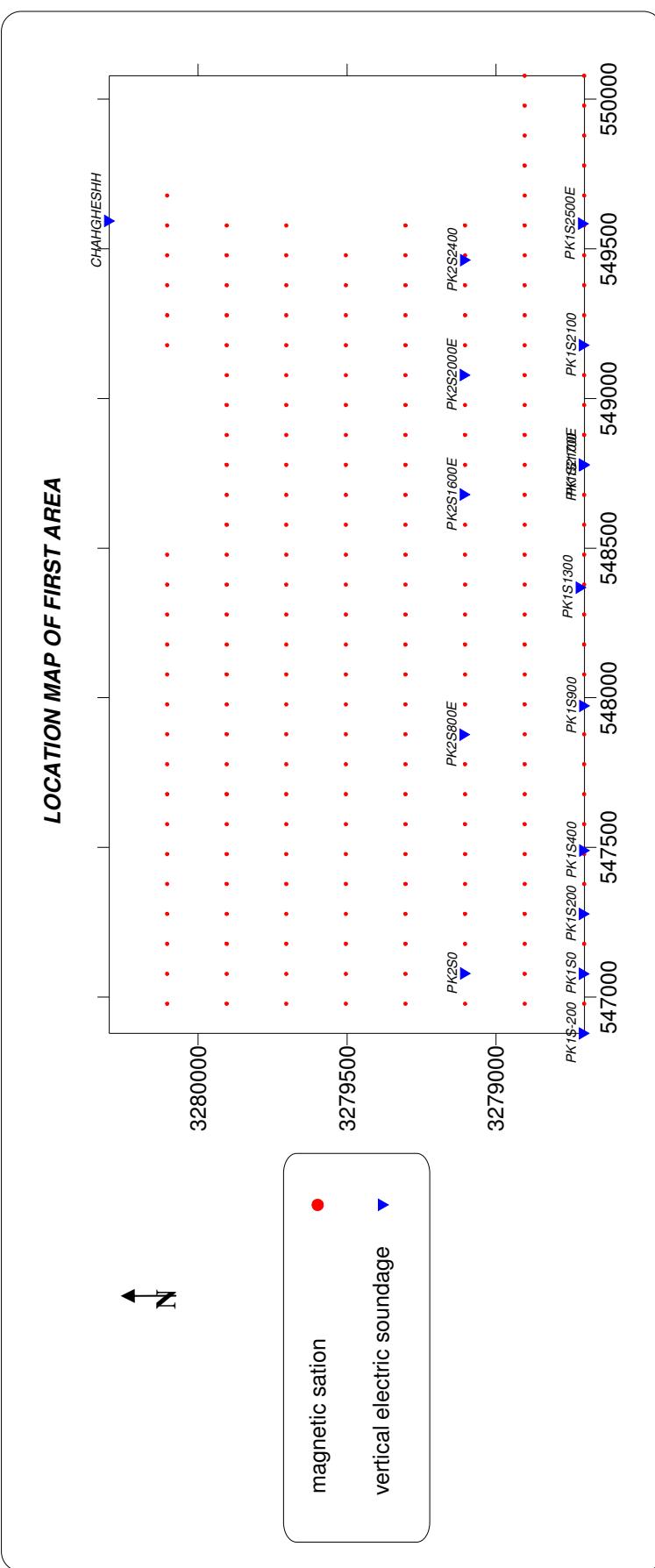
نقشه‌های گسترش به سمت بالا معمولاً ایده بسیار خوبی در رابطه با عمق توده‌های بی‌هنگاری بدست می‌دهد. در مطالعه گسل‌ها نیز حذف آثار سطحی توسط این تکنیک می‌تواند برای شناسایی خطوط گسل مفید باشد.

برداشت‌های ژئوکتریک به طور همزمان با عملیات مغناطیس‌سنگی با آرایش سوندazer الکتریک با طول خط جریان تا ۳۰۰۰ متر که در نوع خود استثنایی می‌باشد به منظور بررسی وضعیت عمق آبهای زیرزمینی تا عمق حدود ۶۰۰ متر انجام شد.

در این رابطه دو پروفیل به فاصله تقریباً ۴۰۰ متر از یکدیگر انتخاب شد (موقعیت پروفیل‌ها در تصویر شماره ۱۱ مشاهده می‌شود). بر روی پروفیل اول به طول ۲۷۰۰ متر ۸ سوندazer به فاصله تقریبی ۴۰۰ متر (که دو

سوندazer اول با طول جریان ۲۰۰۰ متر) اجرا گردید. بر روی پروفیل دوم نیز بطول تقریبی ۲۴۰۰ متر ۵ سوندazer اجرا شد. به دلیل وجود یک ناحیه کم مقاوم در نزدیک ایستگاه ۱۲۵۰ از پروفیل یک و بررسی دقیق‌تر آن در

جهت عمود و موازات پروفیل (چهار جهت) چهار سوندazer دیگر به فاصله تقریبی ۵۰ متر از این ایستگاه انجام شد. لازم به ذکر است که برداشت مغناطیسی بر روی پروفیل یک با فواصل ایستگاهی ۱۰۰ متر شروع و با پروفیل‌هایی با فواصل ۲۰۰ متر به سمت شمال در یک محدوده مستطیلی 1500×3000 متر انجام شده است. در انجام این مطالعات تصحیحات روزانه با استفاده از ایستگاه ثابت لحظه گردیده است.



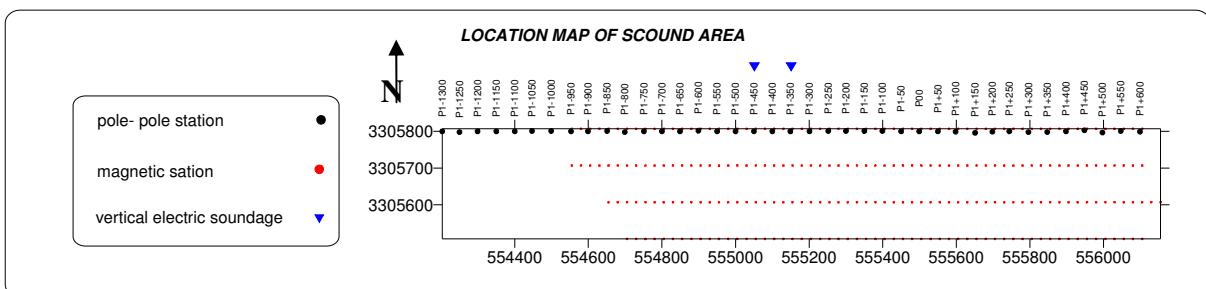
شکل ۱۱ - نقشه مکان نمایی محلوده شماره ۱



تصویر ۲. برداشت‌های ژئوالکتریک در محدوده شماره ۱ (دید از جنوب)

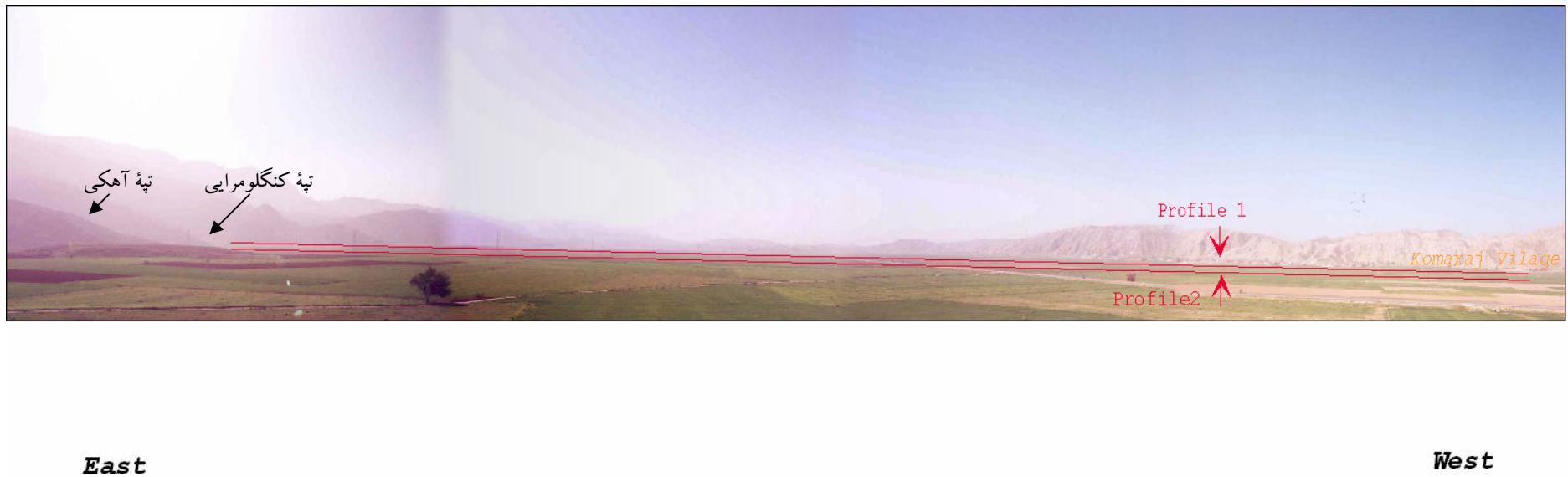
محدوده دوم در شمال شهر قائمیه واقع در ۲۰ کیلومتری شمال کازرون در جنوب روستای قندیل

قرار دارد (تصویر شماره ۳). در این محدوده چهار پروفیل برای برداشت مغناطیس با فاصله ۱۰۰ متر از هم دیگر با فاصله ایستگاهی ۲۵ متر در نظر گرفته شده (شکل ۱۲) و جمماً ۲۴۴ ایستگاه با برداشت گردید.



شکل ۱۲- موقعیت جغرافیایی محدوده شماره ۲

ابتدا به منظور تعیین موقعیت گسل از آرایش قطبی - قطبی بر روی یک پروفیل شرقی - غربی و با فاصله ایستگاهی ۵۰ متر و پرش ۵۰ متری تا ۱۰ پرش و عمق نفوذ تقریبی ۴۰۰ متر استفاده شد. علت استفاده از این آرایش پاسخ ندادن دو آرایش دوقطبی - دوقطبی و قطبی - دوقطبی و همچنین عمق نفوذ کمتر آنها نسبت به آرایش قطبی - قطبی است. سپس با توجه به اطلاعات این پروفیل دو سوندazer بر روی ایستگاههای ۳۵۰ و ۴۵۰ غربی برداشت شد. همچنین محدوده مورد پیمایش مغناطیس سنگی به ابعاد ۲ کیلومتر در ۲۰۰ متر (شبکه 50×20 متر) پروفیل قطبی - قطبی را نیز در بر می گیرد. مدل سازی داده های هر دو محدوده با نرم افزار Res2Dinv انجام شده است.



تصویر ۳. محدوده شماره ۱ و ۲ - محل برداشت‌های ژئوفیزیک (محل برداشت سوندائرها نیز بر روی پروفیل ارایه شده است)

۳-۲- تجهیزات مورد استفاده

جهت انجام برداشت های ژئوکتریک در منطقه مورد مطالعه از دستگاه ساخت شرکت *ABEM* با نام

TRRAMETER SAS 300 B استفاده شده است. این دستگاه قابلیت ارسال جریان تا ۲۰ میلی آمپر و با

ولتاژ ۱۶۰ ولت را دارد که با اضافه کردن بوستر جهت تقویت ولتاژ این مقدار تا ۴۰۰ ولت قابل افزایش

است. خروجی این دستگاه مقادیر V/I می باشد که با دقت تا ۵٪ میلی اهم قابل قرائت است. این دستگاه با

باتری ۱۲ ولت کار می کند و وزن کلی آن با باتری ۵/۶ کیلوگرم بوده و بسیار راحت و دارای قابلیت حمل

آسان است. تصویر شماره ۴، این دستگاه را به همراه بوستر نشان می دهد.



تصویر ۴. دستگاه ترامتر به همراه بوستر

جهت انجام برداشت های مغناطیس سنجی در محدوده مورد مطالعه از دو دستگاه مغناطیس سنج *MP3* ساخت

شرکت سینتر کس کانادا استفاده شده است (تصویر ۵). یک دستگاه جهت ایستگاه *BASE* و دیگری جهت

اندازه گیری استفاده شده است. دستگاه های *MP3* در واقع مغناطیس سنج های نوع پروتون می باشند که قابلیت

ثبت داده هارا تا ۳۲ کیلو بایت داشته و می توان با اتصال دو دستگاه *BASE* و اندازه گیری ، تصحیحات روزانه

را به سادگی و بطور خود کار انجام داد. دقت دستگاه تا ۱٪ نانو تسلا بوده که در مقیاس مطالعات ما کافی است

با استفاده از این مدل دستگاه می‌توان اندازه گیری های گرادیان را نیز با سنسور مخصوص انجام داد. بطور کلی این دستگاهها در نوع خود بسیار سبک (۲ کیلوگرم) و دارای قابلیت حمل آسان و کاربری راحتی می‌باشند.



تصویر شماره ۵. دستگاه مغناطیس سنج MP3



تصویر شماره ۶. عملیات اندازه گیری مغناطیس با استفاده از مغناطیس سنج MP3

فصل سوم

بررسی نتایج

۱-۱-۳- بررسی نتایج در محدوده شماره ۱

همانطور که قبلاً ذکر شد مطالعات به دو روش مغناطیس سنجی و ژئوالکتریک در این محدوده انجام شد. نتایج به صورت نقشه‌های دو بعدی و مقاطع به شرح زیر تهیه و تفسیر گردیده است.

۱-۱-۱- بررسی نتایج مغناطیس سنجی در محدوده شماره ۱

اطلاعات مغناطیس سنجی به همراه مختصات نقاط برداشت در رایانه توسط نرم افزار *Oasis Montaj*

مورد پردازش قرار گرفت. نقشه‌های ارائه شده به ترتیب عبارتند از:
نقشه شدت کل میدان مغناطیسی ، نقشه برگردان به قطب ، نقشه برگردان به قطب با ۵۰ متر گسترش به سمت بالا که اثر منطقه‌ای از آنها حذف شده است.

نقشه شماره ۱ نقشه شدت کل میدان مغناطیسی را نشان می‌دهد. بیشترین مقدار شدت کل میدان مغناطیسی اندازه گیری شده ۴۴۹۹۰ و ۴۵۰۰۸ گاما اندازه گیری شده است. تغییرات میدان مغناطیسی با استفاده از مقیاس رنگی و با تکنیک *SHADOW IMAGE* به گونه‌ای رسم شده که کمترین شدت میدان با رنگ آبی و به تدریج با افزایش شدت کل میدان مغناطیسی به رنگ‌های سبز - زرد - نارنجی و قرمز و قرمز پر رنگ نمایش داده شود. حد زمینه در این منطقه ۴۵۰۰۰ در نظر گرفته شد.

در نقشه شماره ۱ روندی از بی‌亨جاری قوی و ضعیف مشاهده می‌شود که عمدتاً ناشی از تغییرات رخساره است. این نقشه نیاز به تصحیحات دیگری از جمله تصحیح کاهش به قطب دارد.

به منظور تعیین دقیق تر محل واقعی توده‌ها، ابتدا نقشه شدت کل میدان به قطب برگردانده شده است.

برای تهیه نقشه برگردان به قطب از دو پارامتر زاویه میل مغناطیسی و زاویه انحراف مغناطیسی استفاده شده است.

مقادیر طبق استاندارد جهانی در محل انجام برداشت‌های عبارت از:

Inclination = 45.5, declination = 2.4

شدۀ‌اند.

نقشه شماره ۲ نقشه کاهش به قطب را نشان می‌دهد. برای حذف اثر بیهنجاریهای سطحی و دستیابی به تغییرات عمقی‌تر، از پردازش گسترش به سمت بالا استفاده شد. بدین منظور با استفاده از این پردازش داده‌های مغناطیسی کاهش به قطب تا ۵۰ متر به سمت بالا مورد پردازش قرار گرفت. نقشه شماره ۳ این اثر را نمایش می‌دهد. نقشه شماره ۳ برای تفسیر مناسب است لذا تفسیر بر روی این نقشه انجام می‌شود. در این نقشه دو گسل قابل تشخیص است که با خط چین مشکی رنگ و شماره مشخص شده‌اند. بخش‌هایی که با مغناطیس بالا در نقشه دیده می‌شوند احتمالاً ناشی از حضور کنگلومراي بختياری است. زيرا قطعات تشکيل دهنده آن حاوي قلوه سنگ‌هایی است که منشا ايجاد مغناطیس بالا هستند. با اين فرض به نظر می‌رسد گسل شماره ۱ کنگلومراي بختياری را قطع نموده است. کنگلومراي بختياری در محلی که با بيضي شماره ۲ مشخص شده است بر روی زمين مشهود نیست و احتمالاً بوسیله آبرفت‌ها پوشیده شده باشد.

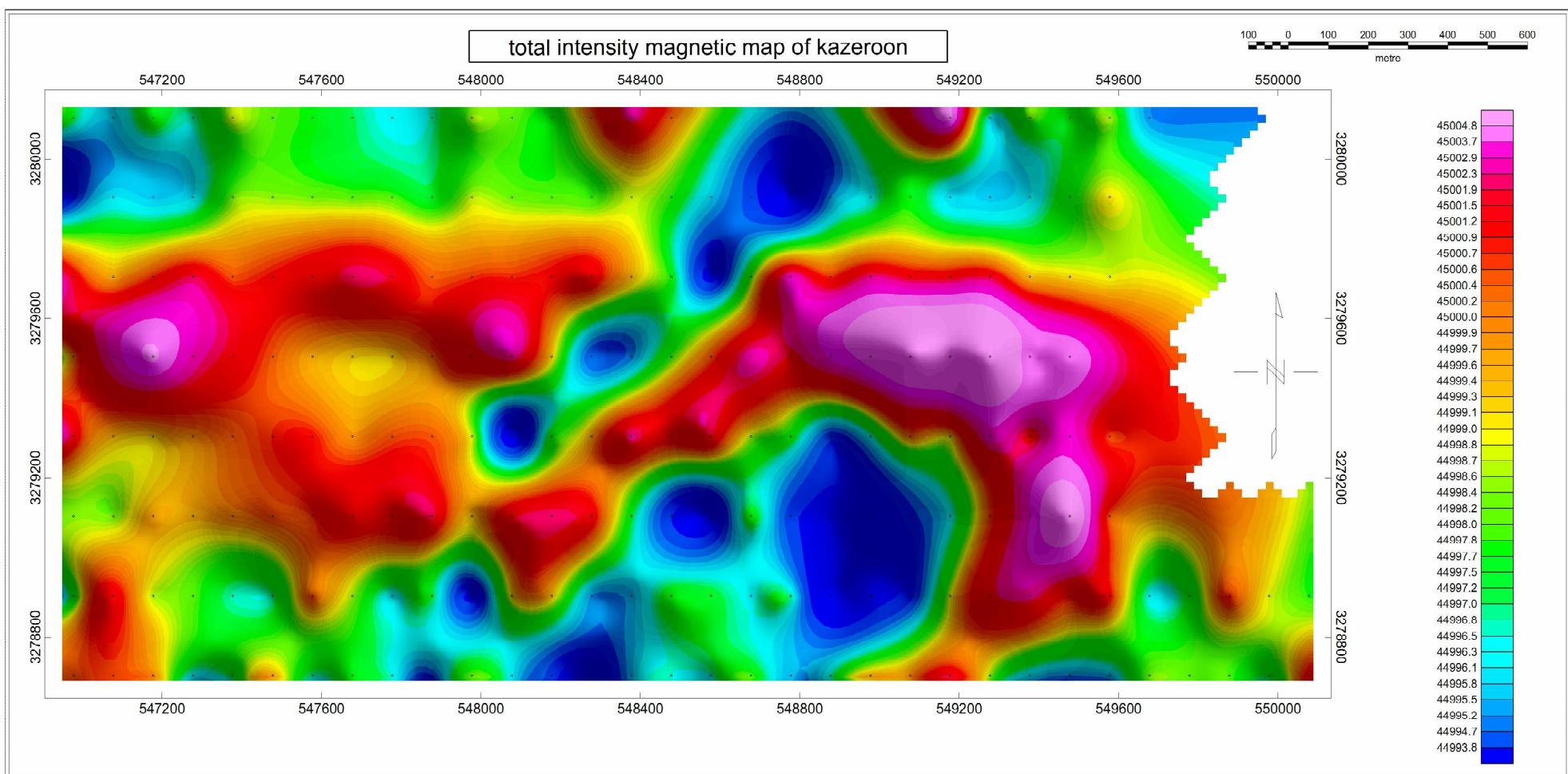
از مجموع مطالعات مغناطیس سنگی در این محدوده دو نکته زیر را می‌توان نتیجه گرفت:

۱- روندی از زون گسل در امتداد شمال شرق - جنوب غرب به پهنه‌ای حدود ۲۰۰ متر قابل تشخیص

است که با شماره‌های ۱ و ۲ مشخص شده است.

۲- زمین شناسان می‌توانند ارتباط این دو گسل را توسط مطالعات ژئوفیزیک تایید شده است با گسل

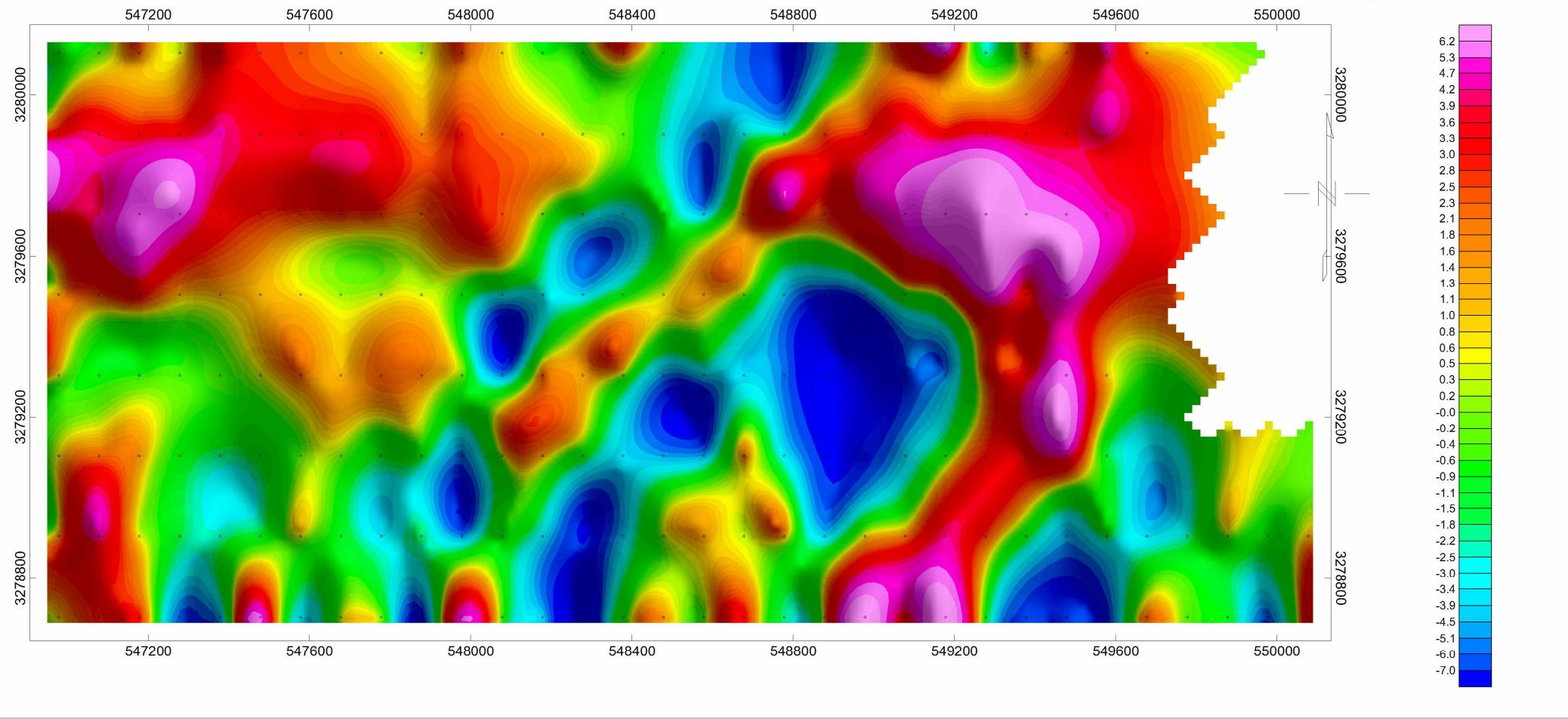
کازرون مورد توجه قرار دهد.



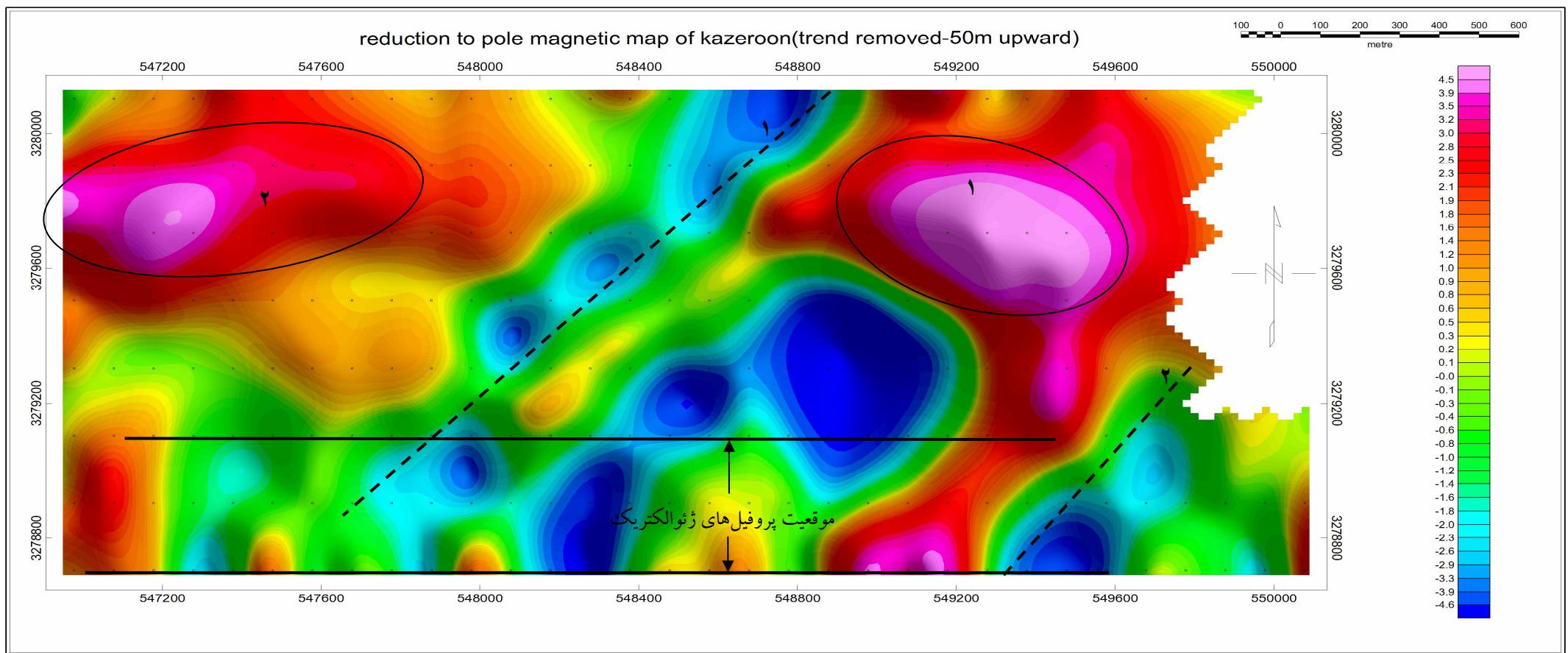
نقشه شماره ۱ - نقشه شدت میدان کل مغناطیسی (محدوده شماره یک)

reduction to pole magnetic map of kazeroon(trend removed)

100 0 100 200 300 400 500 600
metre



نقشه شماره ۲ - نقشه کاهش به قطب (محدوده شماره یک)



نقشه شماره ۳ - نقشه کاهش به قطب با گسترش به سمت بالا تا ۵۰ متر (محدوده شماره یک)

۱-۲-۳- ژئوالکتریک در محدوده شماره ۱

مطالعات ژئوالکتریک در این محدوده در امتداد دو پروفیل به فاصله ۴۰۰ متر انجام و در مجموع ۱۵

سوندazer الکتریک با طول خط جریان ۳۰۰۰ متر برداشت گردید. شبه مقاطع بدست آمده در نرم افزار

پردازش و مدل آنها جهت تفسیر تهیه گردید. مدل مربوط به پروفیل ۱ و ۲ به ترتیب در نقشه های

شماره ۴ و ۵ و موقعیت آنها نسبت به محدوده برداشت مغناطیسی در نقشه شماره ۳ نشان داده شده است.

پروفیل ۱ از ایستگاه ۲۰۰ غربی به مختصات $X=546879, Y=3278704$ شروع و به ایستگاه ۲۵۰۰

شرقی به مختصات $X=549584, Y=3278707$ ختم می شود.

پروفیل ۲ از ایستگاه صفر به مختصات $X=547079, Y=3279103$ شروع و با ایستگاه ۲۴۰۰ شرقی

به مختصات $X=549462, Y=3279103$ پایان می یابد.

در نقشه شماره ۴ تغییرات مقاومت ویژه الکتریکی از ۵ تا ۲۳۰۰ میلی اهم می باشد. در این نقشه بخشی

با مقاومت ویژه الکتریکی بالا (از ۱۰۰ تا ۲۳۰۰ میلی اهم) مشاهده می شود که با رنگ نارنجی - زرد تا سبز و با

شماره ۱ نام گذاری شده است. همچنین بخش دیگر با مقاومت ویژه الکتریکی پائین (از ۵ تا ۳۰ میلی اهم)

مشاهده می شود که با رنگ آبی مشخص شده و با شماره ۲ نشان داده شده است. البته در طول پروفیل، یک نوار

با مقاومت ویژه الکتریکی پائین با ضخامت متفاوت ۵ (ایستگاه ۲۴۰۰ شرقی) تا ۶۰ متر (ایستگاه ۲۰۰ غربی) دیده

می شود که احتمالاً مربوط به رسوبات و خاک های رسی آبدار به دلیل بارندگی های زیاد در منطقه می باشد.

ناحیه مقاوم ۱ احتمالاً مربوط به سنگ های آهکی می باشد که دارای حداکثر ضخامت در زیر ایستگاه ۲۱۰۰

بوده، به طرف شرق و غرب از ضخامت آن کاسته می شود. ممکن است این ناحیه مقاوم ادامه آهک هایی باشد

که در منتهی الیه شرقی پروفیل ۲ قرار دارد و به وسیله آبرفت ها پوشیده شده است. در ادامه، این نوار مقاوم به

سمت غرب با ضخامت و مقاومت ویژه الکتریکی کمتر (رنگ سبز) تا ایستگاه ۹۰۰ شرقی ادامه می یابد. این نوار

ممکن است به خاطر رسوبات کنگلومرا بی باشد. ناحیه شماره ۲ در حد فاصل ایستگاه های ۱۲۰۰ تا ۹۰۰ شرقی حد اکثر ضخامت را داراست و در زیر ایستگاه ۷۰۰ شرقی ضخامت به حداقل می رسد. این ناحیه می تواند ناشی از رسوبات و یا خاک های رسی ریز دانه و یا کمی آبدار باشد. وجود گسل احتمالی و یا همبrij که در نقشه با خطوط منقطع نشان داده است در نقشه شماره ۴ قابل تشخیص است.

در مختصات $X=548368, Y=3278668$ و $X=548368, Y=3278765$ دو سوندazer به منظور

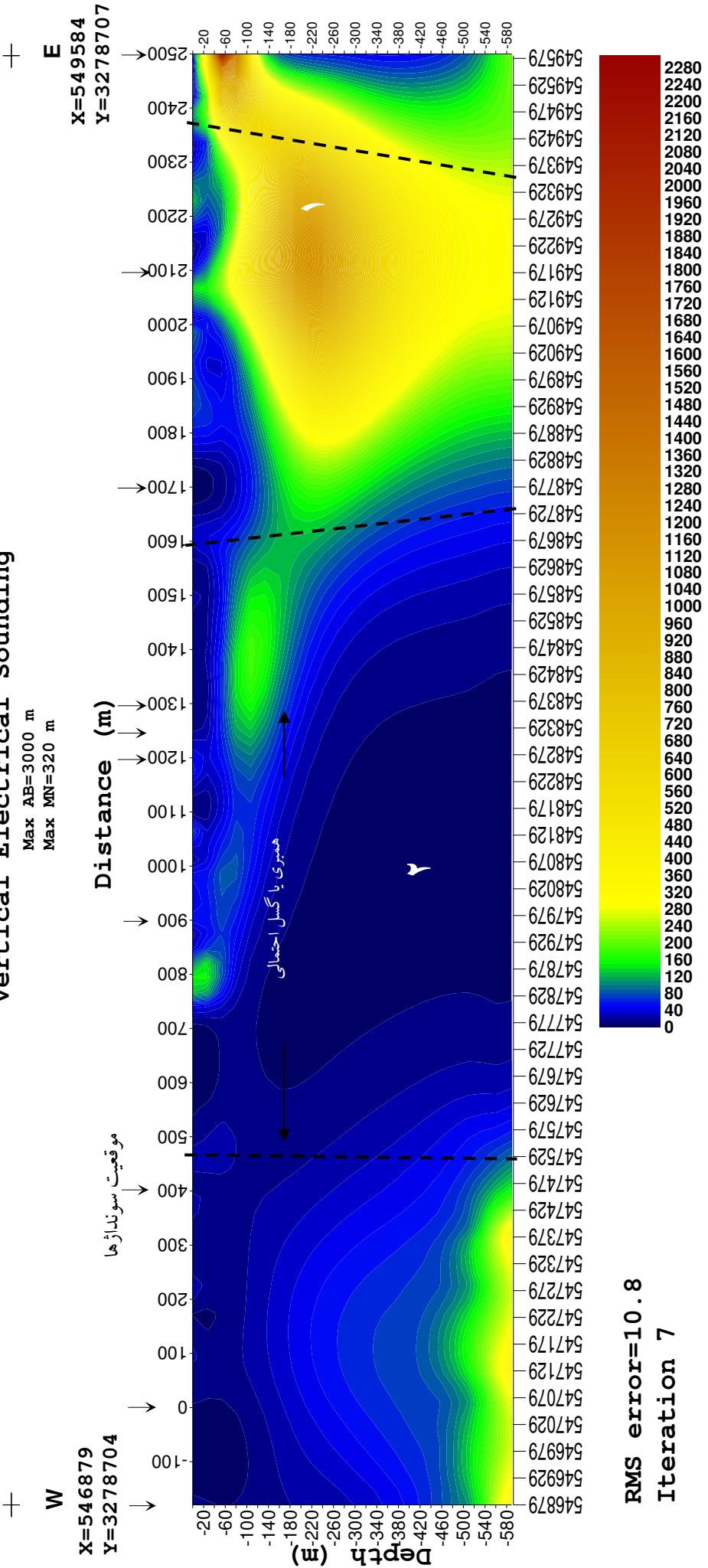
بررسی وضعیت عمق یهنجاری شماره ۲ که در پروفیل ۱ مشاهده شده بود اجرا گردید. موقعیت این دو سوندazer در ۵۰ متری از شمال و جنوب ایستگاه ۱۲۵۰ شرقی پروفیل شماره ۱ واقع است. نتایج حاصله را در نقشه شماره ۶ مشاهده می کنیم. در این نقشه در جهت شمال مقاومت ویژه الکتریکی بیشتر می شود و این ممکن است به دلیل وجود گسل کنگلومرا باشد. این دو سوندazer گسترش بی هنجاری شماره ۲ را به سمت جنوب نشان می دهد.

در نقشه شماره ۵ دو ناحیه با مقاومت ویژه الکتریکی بالا با شماره های ۱ و ۲، و دو ناحیه با مقاومت ویژه الکتریکی پایین با شماره های ۳ و ۴، دیده می شود. در ناحیه ۱ مقاومت ویژه بالا در زیر ایستگاه ۲۴۰۰ شرقی مربوط به حضور کنگلومرا است که در شمال ایستگاه قرار دارد و دارای امتداد شرقی - غربی است و در ناحیه مقاوم شماره ۲ در پروفیل یک نیز دیده می شود اما به ضخامت آن افزوده شده است که ممکن است مربوط به رخساره های آهکی موجود در غرب منطقه باشد. ناحیه ۴ با مقاومت ویژه کم ممکن است مربوط به لایه های رسی سطحی آبدار که از ایستگاه ۱۱۰۰ شرقی با ضخامت تقریبی ۱۵ متر تا ایستگاه صفر با ضخامت ۱۰۰ متر باشد که نسبتاً به ضخامت آن در مقایسه با پروفیل یک افروده و به سطح نزدیک تر شده است. ناحیه شماره ۳ ممکن است مربوط به خاک های رسی یا رسوبات در منطقه باشد که در پروفیل یک نیز دیده می شود. همبrij و یا گسل احتمالی با خطوط منقطع مشخص شده اند.

Res2Dinv modelling Map of Profile 1

Vertical Electrical Sounding

Max AB=3000 m
Max MN=320 m



نقشه شماره ۴. مقطع مدل سازی پروفیل یک در محدوده شماره یک

Res2Dinv modeling Map of Profile 2

Vertical Electrical Sounding

Max AB=3000 m

Max MN=320 m

Distance (m)

موقیت سوندرازها

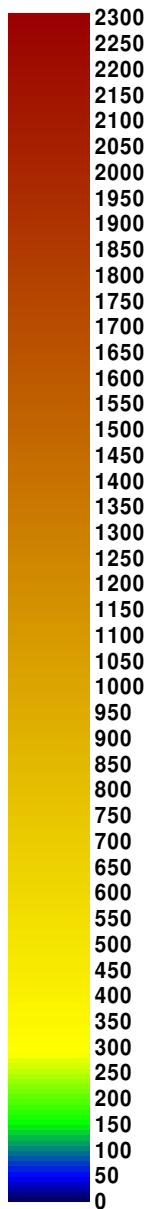
E
X=549462
Y=3279103

W
X=547079
Y=3279103

Depth (m)

RMS error=5.2

Iteration 7



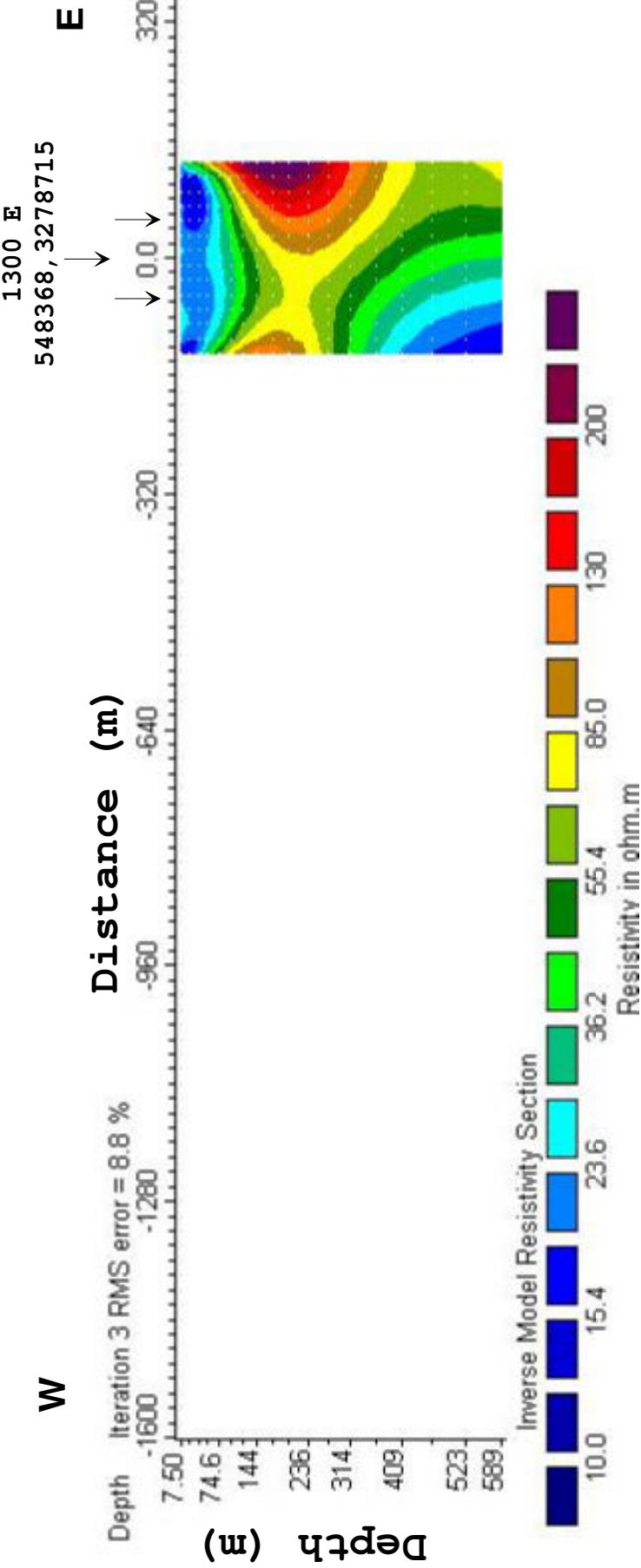
نقشه شماره ۵. مقطع مدلسازی پروفیل دو در محدوده شماره یک،

Res2Dinv modelling Map

Vertical Electrical Sounding

Max AB=3000 m
Max MN=320 m

Station



نقشه شماره ۶. مقطع مدلسازی پروفیل سه در محدوده شماره بیک

موقعیت گسل یا همبری‌های احتمالی نشان داده شده (۱و۲) در نقشه شماره ۳ با آنچه که در مقاطع ژئوالکتریک در نقشه‌های ۴ و ۵ دیده می‌شود، مطابقت دارد و می‌تواند مورد توجه و بررسی بیشتر توسط کارشناس‌های زمین‌شناسی قرار گیرد.

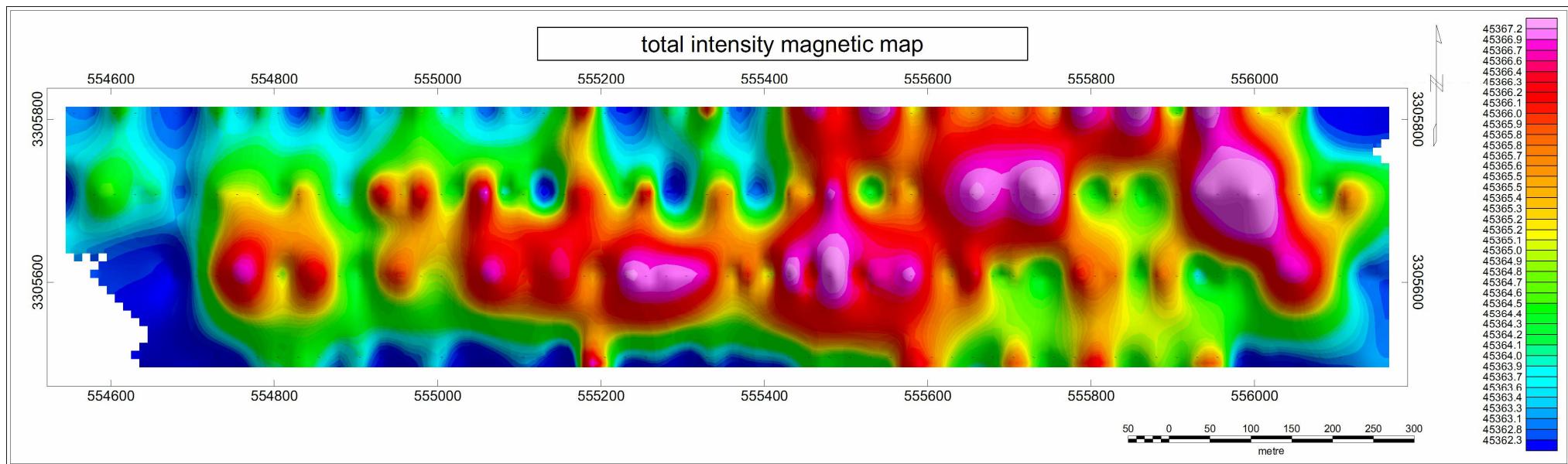
۳-۲-۱- بررسی نتایج در محدوده شماره ۲

۳-۲-۱- مغناطیس سنجی در محدوده شماره ۲

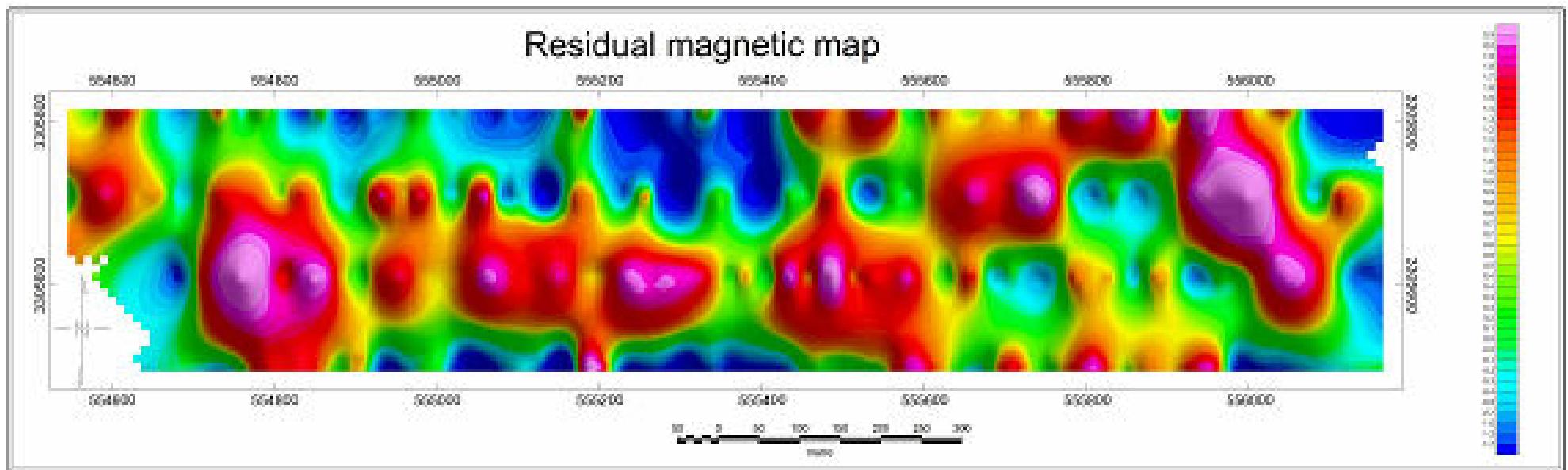
مطالعه مغناطیس سنجی در محدوده شماره ۲ با اجرای ۴ پروفیل موازی و باراستای شرقی- غربی همانطوریکه قبل ذکر شده است، ادامه یافت. در ادامه نقشه‌های شدت کل میدان مغناطیسی، میدان مغناطیس باقیمانده و نقشه برگردان شده به قطب با گسترش ۲۰ متر به بالا برای این محدوده ارائه شده است.

کمترین مقدار در این محدوده ۴۵۳۶۲ و بیشترین مقدار ۴۵۳۶۷ گاما اندازه گیری شده است. اختلاف میدان مغناطیسی در کل ۵ گاما است که بسیار ناچیز بوده و نشانگر غیر مغناطیسی بودن سنگهای محدوده است.

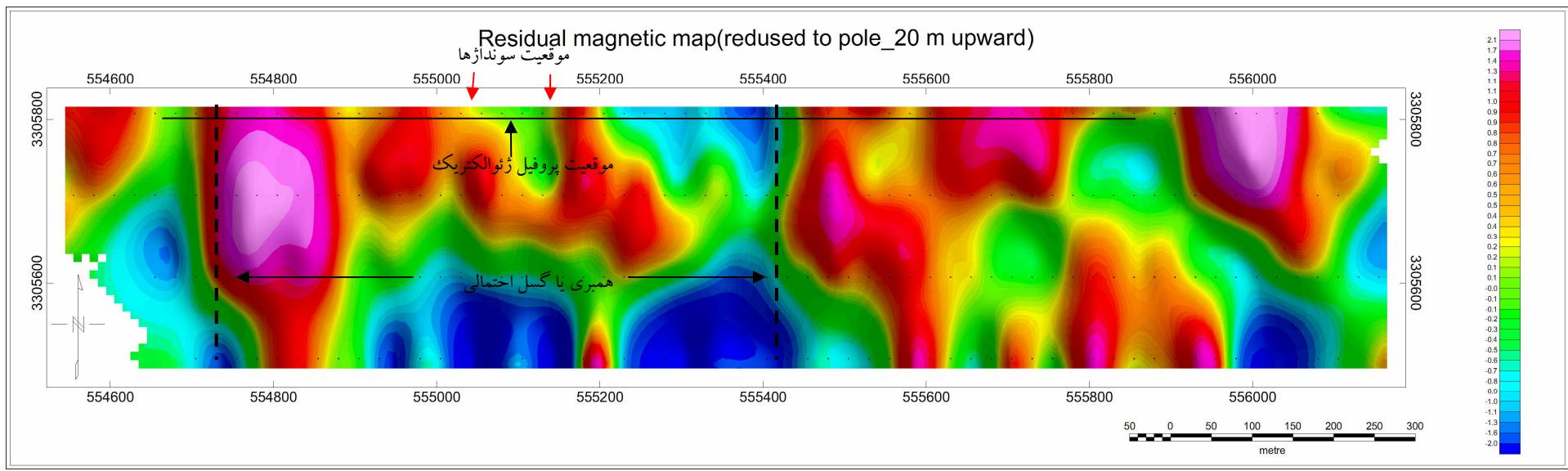
جهت تفسیر از نقشه کاهش به قطب و گسترش به سمت بالا تا ۲۰ متر استفاده شده است. بر روی نقشه شماره ۹ میتوان به دو محل به عنوان گسل احتمالی اشاره کرد که به صورت خط چین سیاه رنگ نشان داده شده است. این محلها در واقع محدوده‌های انفصل از نظر مغناطیسی است و در واقع مقدار مغناطیس کم شده و سپس مجدد افزایش یافته است. موقعیت پروفیل قطبی - قطبی و سوندazerهای ژئوالکتریک در نقشه نشان داده شده است.



نقشه شماره ۷ - نقشه شدت کل میدان مغناطیسی در محدوده شماره ۲



نقشه شماره ۸ - نقشه باقیمانده میدان کل مغناطیسی در محدوده شماره ۲



۲-۲-۳- ژئوالکتریک در محدوده شماره ۲

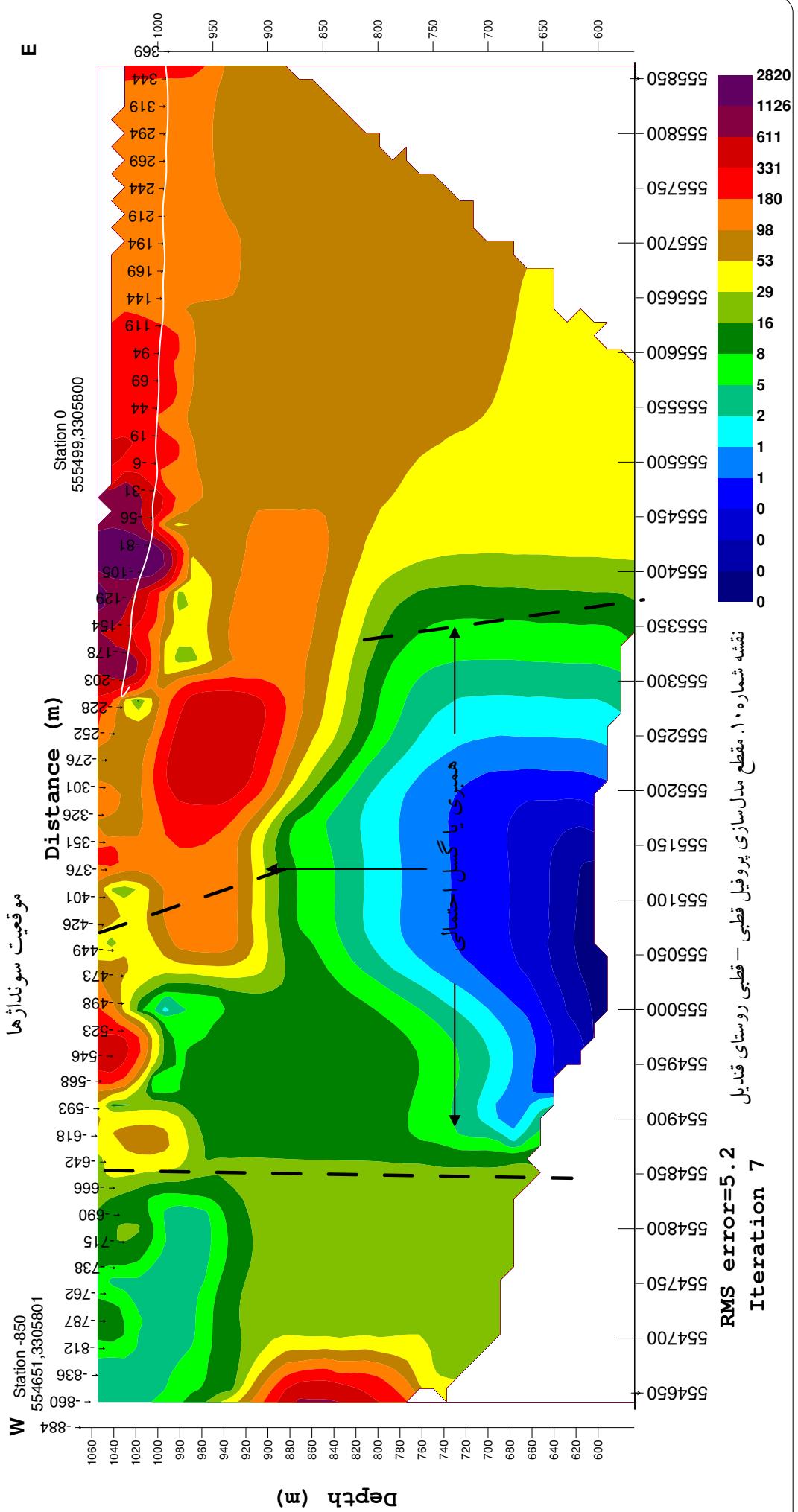
در محدوده شماره ۲ ابتدا یک پروفیل با آرایش قطبی - قطبی جهت تعیین موقعیت گسل احتمالی و یا نواحی آبدار احتمالی با فاصله ایستگاهی ۵۰ متر پرش ۵۰ متر و تا ۱۰ پرش با عمق نفوذ تقریبی ۴۰۰ متر پیمایش شد. سپس با توجه به اطلاعات این پروفیل دو سوندazer بر روی ایستگاههای ۳۵۰ و ۴۵۰ غربی به ترتیب به مختصات ۳۳۰۵۸۰۰، ۵۵۵۱۴۹ و ۵۵۵۰۵۰ که با طول خط جریان ۳۰۰۰ متر می‌باشند، برداشت شد. نقشه شماره ۱۰ مقطع مدل‌سازی قطبی - قطبی را نشان می‌دهد که در آن همبری و یا گسل‌های احتمالی مشخص شده‌اند. موقعیت تقریبی همبری‌ها یا گسل‌های احتمالی که در نقشه دیده می‌شود با نقشه شماره ۹ مغناطیسی مطابقت دارد. در این نقشه یک ناحیه با مقاومت ویژه الکتریکی پایین دیده می‌شود که احتمالاً اثر گسل در مقطع مدل‌سازی است چون این ناحیه در مقطع مدل‌سازی سوندazer در نقشه شماره ۱۱ که به منظور بررسی این ناحیه برداشت شده است، دیده نمی‌شود. با توجه به اطلاعات سوندazerها ناحیه با مقاومت ویژه پایین در نقشه ۱۱ می‌تواند به دلیل سازند گچساران باشد که نقشه زمین‌شناسی منطقه نیز آن را تایید می‌کند. نواحی مقاوم در نقشه ۱۰ در حدفاصل ایستگاه ۳۵۰- تا ۱۰۰- به دلیل وجود آهک‌های آسماری است که در سطح نیز دیده می‌شود (خط سفید ممتد در نقشه شماره ۱۰ سطح زمین را نشان می‌دهد).

Res2Dinv modelling Map

Pole – Pole Array

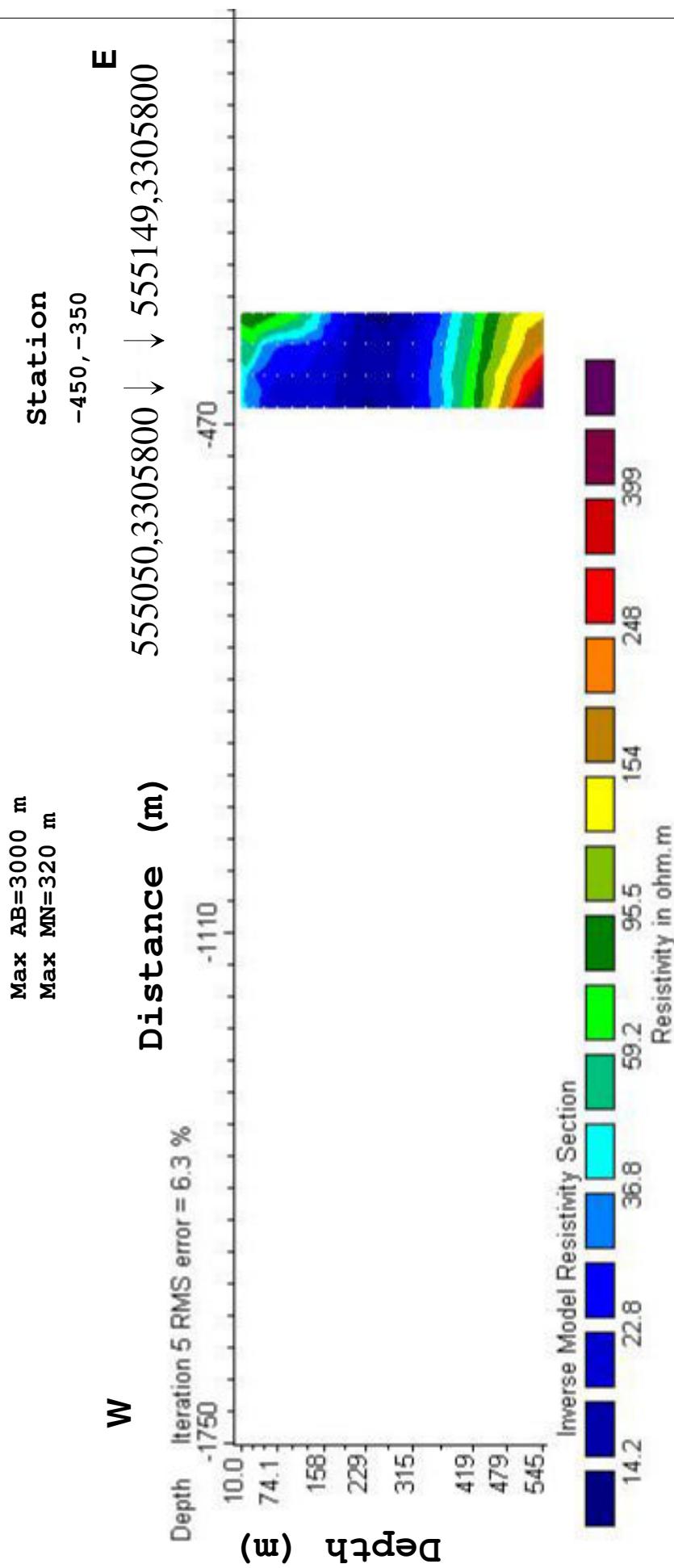
Data Spacing=50 m

موقعیت سوندزها



Res2Dinv modelling Map

Vertical Electrical Sounding



۴- نتیجه گیری

۱. نتایج بررسی‌های ژئوفیزیک با استفاده از روش مغناطیس‌سنگی و ژئوالکتریک در محدوده شماره ۱

نشان می‌دهد که دو همبry یا گسل احتمالی در این محدوده عبور کرده که حداقل می‌توان عمق ۵۰۰ متر برای آن در نظر گرفت.

۲. دو برونزد از کنگلومرای بختیاری در محدوده شماره ۱ مشهود است و مطالعات ژئوفیزیک مشخص

می‌کند که این دو برونزدگی توسط گسل بریده و جابجا شده است. بنابراین در محدوده مورد مطالعه حضور گسل تایید می‌گردد. زمین شناسان می‌توانند ارتباط این گسل را با گسل کازرون بررسی نمایند.

عمق این گسل ۵۰۰ متر و پهنه‌ای آن ۲۰۰ متر حدس زده می‌شود.

۳. بنظر می‌رسد بررسی‌های مغناطیس‌سنگی خصوصاً در محدوده شماره ۱ از جهت مطالعه گسل‌ها و ادامه

آن در زیر آبرفت‌های جوان منطقه مفید واقع شده است و روش ژئوالکتریک در هر دو پروفیل یک و دو به وجود گسل‌های احتمالی قوت می‌بخشد.

۴. با توجه به اینکه در شرق این گسل‌ها که ادامه آن در شمال از غرب روستای ناصرآباد عبور کرده آب

فراوانی تجمع داشته و لذا پیگیری روند این گسل‌ها در غرب کازرون و بعارتی جنوب روستای

کماراج در زیر آبرفت‌های جوان می‌تواند مفید واقع شود. از نظر مناسب بودن مناطق حفاری، با توجه

به شیب گسل‌های منطقه شرق بخش‌های گسله می‌تواند مناسبت باشد.

۵. محدوده شماره ۲ از جهت انطباق بر گسل قطر - کازرون انتخاب شده بود. در این بخش می‌توان به دو

رونده همبry یا گسل احتمالی اشاره کرد که با خط چین در نقشه شماره ۸ مغناطیس نشان داده شده

است و روش ژئوالکتریک نیز تقریباً موید این مطلب می‌باشد. حتی می‌توان محدوده بین این دو را یک

زون گسله معرفی کرد.

۵- پیشنهادات

برای انجام این گونه مطالعات می‌بایستی از نظرات کارشناس‌های مختلف در این زمینه بهره جست که یکی از آنها ژئوفیزیست می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود قبل از تمامی اطلاعات مربوط به منطقه جمع‌آوری و سپس با بحث کارشناسی محدوده‌های مفید و روش‌های مفید از جمله روش مگنتوتلوریک که عمق نفوذ آن به چند کیلومتر می‌رسد، انتخاب شود.

۶- تشکر و قدردانی

در اینجا برخود لازم می‌دانیم از آقای مهندس شهریار جوادی‌پور رئیس گروه ژئوفیزیک بخاطر بازخوانی و ارائه راهنمایی‌های لازم در تهیه گزارش تشکر و قدردانی نماییم. همچنین از همکاری صمیمانه جناب آقای مهندس عابدیان معاونت اکتشاف سازمان زمین شناسی، فرماندار شهرستان کازرون و همکاران، جناب آقای مهندس پدرام آفتابی و سایر اعضای اکیپ سپاسگزاری می‌شود. در اجرای این مطالعات آقایان فرامرز اله وردی، عباس باقری اسفندآبادی و حسین ایرانشاهی تکنسین‌های گروه در عملیات برداشت‌های صحرائی با کارشناسان همکاری داشته‌اند.

۷- پیوست (داده‌ها)

۱-۱- داده‌های روش ژئوالکتریک

۱-۱-۱- داده‌های روش ژئوالکتریک محدوده شماره یک

profile 1, Area 1, Station 0
x=547078, y=3278704

profile 1, Area 1, Station -200
x=546879, y=3278704

AB/2	MN	K	D.V/I	RS	AB/2	MN	K	D.V/I	RS
80	80	188.5	39.0	7.4	80	80	188.5	41.1	7.8
120	80	502.6	16.2	8.1	120	80	502.6	15.9	8.0
160	80	942.5	10.3	9.7	160	80	942.5	8.8	8.3
200	80	1507.9	6.4	9.7	200	80	1507.9	5.8	8.7
240	80	2199.1	4.8	10.6	240	80	2199.1	4.1	9.0
280	80	3015.8	3.7	11.2	280	80	3015.8	3.4	10.3
320	80	3958.3	3.0	11.9	320	80	3958.3	2.6	10.3
360	80	5026.4	2.5	12.6	360	80	5026.4	2.2	11.0
400	80	6220.2	2.0	12.4	400	80	6220.2	1.9	11.8
440	80	7539.6	1.9	14.3	440	80	7539.6	1.7	12.8
480	80	8984.7	1.7	15.3	480	80	8984.7	1.5	13.5
520	80	10555.4	1.6	16.9	520	80	10555.4	1.3	13.7
560	80	12251.9	1.5	18.4	560	80	12251.9	1.2	14.7
600	80	14073.9	1.3	18.3	600	80	14073.9	1.1	15.5
640	160	7916.6	2.3	18.2	640	160	7916.6	2.1	16.6
680	160	8953.3	2.2	19.7	680	160	8953.3	1.9	17.0
720	160	10052.8	2.1	21.1	720	160	10052.8	1.7	17.1
760	160	11215.2	2.1	23.6	760	160	11215.2	1.6	17.9
800	160	12440.3	1.9	23.6	800	160	12440.3	1.6	19.9
840	160	13728.4	1.8	24.7	840	160	13728.4	1.4	19.5
880	160	15079.2	1.7	25.6	880	160	15079.2	1.3	19.6
920	160	16492.9	1.6	26.4	920	160	16492.9	1.4	22.3
960	160	17969.4	1.7	30.5	960	160	17969.4	1.2	21.6
1000	160	19508.7	1.6	31.2	1000	160	19508.7	1.2	23.4

profile 1, Area 1, Station 400

x=547490, y=3278703

profile 1, Area 1, Station 900

x=547973, y=3278703

AB/2	MN	K	D.V/I	RS	AB/2	MN	K	D.V/I	RS
80	80	188.5	79.0	14.9	80	80	188.5	132.3	24.9
120	80	502.6	28.1	14.1	120	80	502.6	59.4	29.9
160	80	942.5	25.8	24.3	160	80	942.5	36.7	34.6
200	80	1507.9	10.7	16.1	200	80	1507.9	26.6	40.1
240	80	2199.1	8.1	17.8	240	80	2199.1	20.9	46.0
280	160	1413.7	13.0	18.4	280	160	1413.7	33.2	46.9
320	160	1884.9	10.4	19.6	320	160	1884.9	26.0	49.0
360	160	2419.0	8.6	20.8	360	160	2419.0	20.9	50.6
400	160	3015.8	7.2	21.7	400	160	3015.8	17.0	51.3
440	160	3675.6	6.0	22.1	440	160	3675.6	14.2	52.2

